

# Social Impact Assessment of the Organization and Quality Improvement of Alqadir Square

## ARTICLE INFO

**Article Type**  
Original Research

**Author**

Akbar Talebpour<sup>1</sup>  
Mahnaz Karami<sup>2\*</sup>

**How to cite this article**

Talebpour, Akbar and Karami, Mahnaz. Social Impact Assessment of the Organization and Quality Improvement of Alqadir Square. Urban Design Discourse. 2026; 7(1): 103-122.

**Doi:**

doi.org/10.48311/udd202611776382812

<sup>1</sup>Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran.

<sup>2</sup>Sociology PhD Andidate, Department of Social Sciences, Faculty of Social and Economic Sciences, Alzahra University, Tehran, Iran.

**\* Correspondence**

Address: Sociology PhD Andidate, Department of Social Sciences, Faculty of Social and Economic Sciences, Alzahra University, Tehran, Iran.  
Email: mhnz67@gmail.com

**Article History**

Received: 26 November 2025  
Accepted: 09 February 2026  
Revised date: 26 May 2026

## ABSTRACT

Urban squares, as important social and cultural centers, play a vital role in shaping local identity and strengthening social relations. The study evaluated the effects of the Al-Ghadir Square reorganization plan in Tehran's Yaftabad neighborhood, analyzed its social, cultural, and physical dimensions, and examined the challenges and achievements of this urban intervention, based on which Al-Ghadir Square, as one of the key public spaces, faces challenges in social, cultural, and physical dimensions. The results showed that although the plan has been successful in improving visual quality, promoting security, and organizing pedestrian spaces. However, in the social and cultural dimensions, the reduction of neighborhood interactions, weakening of traditional relationships, and the failure to strengthen local cultural identity remain important challenges. Economically, while some businesses have benefited from improved sales, others continue to face economic problems. This research, using a mixed method (quantitative-qualitative) and field data analysis, shows that physical designs alone are not sufficient for recreating the square and that there is a need to strengthen participatory processes and pay attention to the soft dimensions of public spaces, such as strengthening the sense of belonging and social capital. Therefore, it is necessary to emphasize the necessity of human-centered, participatory, and culturally sensitive design and take additional measures to strengthen local identity and develop social participation in the later phases of the project. The results of this study can be used as a guide for similar projects in other urban areas.

**Keywords:** Al-Ghadir Square; social and cultural impact assessment; place attachment; urban improvement; spatial justice; public spaces.

## ارزیابی تأثیرات اجتماعی فرهنگی ساماندهی و ارتقاء کیفی میدان الغدير

### اطلاعات مقاله:

### چکیده

نوع مقاله: پژوهشی اصیل

نویسندگان:

اکبر طالب پور<sup>۱</sup>  
مهناز کرمی<sup>۲</sup>

نحوه استناد به این مقاله:

طالب پور، اکبر و کرمی، مهناز. ارزیابی تأثیرات اجتماعی فرهنگی ساماندهی و ارتقاء کیفی میدان الغدير. گفتمان طراحی شهری، ۷(۱)، ۱۰۳-۱۲۲.

میدان‌های شهری به‌عنوان کانون‌های مهم اجتماعی و فرهنگی، نقش حیاتی در شکل‌دهی به هویت محلی و تقویت روابط اجتماعی دارند پژوهش با ارزیابی تأثیرات طرح ساماندهی میدان الغدير در محله یافت‌آباد تهران، به تحلیل ابعاد اجتماعی، فرهنگی و کالبدی آن پرداخته و چالش‌ها و دستاوردهای این مداخله شهری را بررسی کرده است که بر اساس آن میدان الغدير به‌عنوان یکی از فضاهای عمومی کلیدی، با چالش‌هایی در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و کالبدی روبه‌روست. نتایج نشان دادند هرچند طرح با موفقیت‌هایی در بهبود کیفیت بصری، ارتقاء امنیت و ساماندهی فضاهای پیاده‌روی همراه بوده است. با این حال، در ابعاد اجتماعی و فرهنگی، کاهش تعاملات همسایگی، تضعیف روابط سنتی و عدم تقویت هویت فرهنگی محلی از چالش‌های مهم باقی مانده است. از نظر اقتصادی، در حالی که برخی کسبه از بهبود فروش بهره‌مند شده‌اند، دیگران همچنان با مشکلات اقتصادی مواجه هستند. این پژوهش با استفاده از روش ترکیبی (کمی-کیفی) و تحلیل داده‌های میدانی، نشان می‌دهد که طراحی‌های کالبدی به‌تنهایی برای بازآفرینی میدان کافی نبوده و نیاز به تقویت فرآیندهای مشارکتی و توجه به ابعاد نرم فضاهای عمومی، نظیر تقویت حس تعلق و سرمایه اجتماعی، ضروری است. بنابراین لازم است بر ضرورت طراحی انسان‌محور، مشارکتی و حساس به زمینه‌های فرهنگی تأکید نمود و اقدامات تکمیلی در جهت تقویت هویت محلی و توسعه مشارکت اجتماعی در فازهای بعدی پروژه انجام داد. نتایج این مطالعه می‌تواند به عنوان راهنمایی برای پروژه‌های مشابه در سایر مناطق شهری استفاده شود.

**واژه‌های کلیدی:** میدان الغدير؛ ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی؛ تعلق مکانی؛ ساماندهی؛ عدالت فضایی؛ فضاهای عمومی.

۱. دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.
۲. دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران گروه علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

\* نویسنده مسئول:

مهناز کرمی

نشانی: دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.  
ایمیل: mhnz67@gmail.com

تاریخ مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۹/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۲/۵

## ۱. مقدمه و بیان مساله

در دهه‌های اخیر، شهرهای ایران با بحرانی فزاینده در کیفیت محیط‌های شهری مواجه شده‌اند؛ بحرانی که نشان‌دهنده ناکارآمدی بسیاری از پروژه‌های برنامه‌ریزی و مدیریت شهری است. تجربه اجرای طرح‌های نوسازی، بازآفرینی و احداث فضاهای عمومی و حتی شهرهای جدید حاکی از آن است که این مداخلات، با وجود صرف منابع مالی قابل توجه، در دستیابی به کیفیت مطلوب محیطی موفق نبوده‌اند [۱]. کیفیت محیط شهری تنها به جنبه‌های کالبدی یا زیبایی‌شناختی محدود نمی‌شود، بلکه حاصل پیوند میان انسان، فضا و فرهنگ است. هنگامی که طرح‌های شهری بدون توجه به این سه مؤلفه طراحی شوند، محیط‌هایی ظاهراً سامان‌یافته اما فاقد پویایی اجتماعی و هویت فرهنگی شکل می‌گیرد.

این وضعیت در بسیاری از فضاهای عمومی تهران نیز قابل مشاهده است؛ میادین، پیاده‌راه‌ها و فضاهایی که قرار بوده بستری برای تعاملات اجتماعی باشند، اغلب به فضاهایی کهرمق و غیرجذاب تبدیل شده‌اند. به تعبیر جین جیکوبز (۱۹۶۱) حیات شهری تنها زمانی شکل می‌گیرد که مردم در فضا حضور فعال داشته باشند، نه آن‌که صرفاً از آن عبور کنند. از این رو، کیفیت محیط شهری باید از منظر تجربه زیسته شهروندان مورد ارزیابی قرار گیرد [۲]. تجربه‌های جهانی نیز نشان داده‌اند که مداخلات صرفاً کالبدی، بدون در نظر گرفتن ابعاد اجتماعی و فرهنگی، می‌توانند پیامدهای منفی قابل توجهی، از جمله کاهش حس تعلق، طرد گروه‌های اجتماعی و تضعیف سرمایه اجتماعی به همراه داشته باشند [۳، ۲].

پروژه‌های ارتقاء فضاهای عمومی، اگر بدون شناخت زمینه اجتماعی اجرا شوند، ممکن است به حذف گروه‌های اجتماعی، طرد فرهنگی یا تغییر ناخواسته کارکردهای فضا بینجامند. از همین رو، ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی<sup>۲</sup> در برنامه‌ریزی شهری به‌عنوان ابزار ضروری در پیشگیری از این پیامدها مورد توجه قرار گرفته است [۴].

میادین به‌عنوان یکی از کهن‌ترین گونه‌های فضای عمومی، جایگاهی ویژه در حیات شهری دارند، در شهرهای ایرانی-اسلامی، میدان نه تنها کارکرد ترافیکی، بلکه نقشی اجتماعی، مذهبی و اقتصادی را نیز ایفا کرده است [۵]. با این حال، در فرآیند مدرنیزاسیون شهری، بسیاری از میادین به فضاهایی عبوری و بی‌هویت بدل شده و نقش اجتماعی و فرهنگی خود را از دست داده‌اند [۶]. که این امر اهمیت استفاده از میادین به‌عنوان مکان‌خاطره را از بین برده است، بنابراین، بازآفرینی میادین مستلزم توجه همزمان به ابعاد کالبدی، اجتماعی و فرهنگی است.

میدان الغدير در محله یافت‌آباد جنوبی تهران، به‌عنوان یکی از دو میدان اصلی محله و کانون فعالیت‌های روزمره، مذهبی و تجاری، نقشی محوری در ساختار اجتماعی و اقتصادی منطقه دارد. قرارگیری

در نزدیکی محورهای مهم شهری همچون بلوار الغدير، بزرگراه آزادگان و بازار مبل، این میدان را به گره‌ای ارتباطی و عملکردی تبدیل کرده است. حضور مسجد الغدير، مراکز آموزشی، رستوران‌ها و واحدهای تجاری کوچک در اطراف میدان نیز بر اهمیت اجتماعی آن افزوده است.

با وجود این جایگاه، میدان با چالش‌هایی چون آشفتگی بصری، فرسودگی مبلمان، نورپردازی ناکافی، کمبود فضای سبز و ضعف در پیاده‌مداری روبه‌روست. این مشکلات نه تنها کیفیت محیطی، بلکه احساس امنیت و تعلق اجتماعی ساکنان را کاهش داده است. در صورت بی‌توجهی به ابعاد فرهنگی و اجتماعی، اجرای پروژه ارتقاء کیفی این میدان می‌تواند پیامدهایی مشابه برخی مداخلات ناموفق گذشته داشته باشد؛ چنان‌که در میدان امام حسین و میدان نیلوفر، فقدان مشارکت شهروندی و نادیده گرفتن حساسیت‌های فرهنگی به نارضایتی و کاهش اعتماد عمومی انجامید [۷].

محله یافت‌آباد ترکیبی از جمعیت بومی، کارگران صنایع و مهاجران اقتصادی است و بازار مبل به‌عنوان قطب اقتصادی منطقه، نقش مهمی در هویت فرهنگی و اجتماعی آن ایفا می‌کند. بنابراین، هرگونه تغییر در میدان الغدير می‌تواند الگوهای تعامل، روابط اجتماعی و فعالیت‌های اقتصادی محله را دگرگون کند؛ به‌ویژه آن‌که این میدان کارکردهای نمادین و فرهنگی مهمی مانند برگزاری آیین‌های مذهبی در مسجد الغدير نیز دارد.

از سوی دیگر، ارتقاء کیفی میدان می‌تواند نتایج مثبتی همچون افزایش حضورپذیری، بهبود کیفیت بصری، ارتقاء امنیت، تقویت تعاملات اجتماعی و بهبود فعالیت‌های اقتصادی به همراه داشته باشد؛ مشروط بر آن‌که مبتنی بر نیازهای واقعی ساکنان و در چارچوب الگوهای رفتاری و فرهنگی آنان طراحی شود [۶]. در مقابل، غفلت از این ملاحظات ممکن است به تغییر کاربری‌های بومی، افزایش نابرابری فضایی، رشد قیمت‌ها و حذف مشاغل خرد بینجامد [۸]. تجربه‌های بین‌المللی نیز بر ضرورت طراحی مشارکتی و حساس به زمینه‌های فرهنگی تأکید دارد [۹، ۱۰].

با توجه به اهمیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی میدان الغدير، مداخله در این فضا تنها یک اقدام عمرانی نیست، بلکه فرآیندی چندبعدی با پیامدهای گسترده است. بنابراین، انجام مطالعه ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی در آغاز پروژه امری ضروری است تا این مداخله بتواند در راستای ارتقای کیفیت زندگی، تقویت هویت مکان و افزایش عدالت فضایی هدایت شود. میدان الغدير بخشی از حافظه جمعی و هویت اجتماعی محله یافت‌آباد است؛ از این رو موفقیت طرح ساماندهی آن وابسته به اتخاذ رویکردی انسان‌محور، مشارکتی و فرهنگی است تا از تکرار ناکامی‌های پروژه‌های صرفاً کالبدی جلوگیری شود.

## ۲. سؤالات تحقیق

سؤال اصلی:

- طرح ساماندهی، بهسازی و ارتقاء کیفی میدان الغدير و نواحی

1. Jaqubs
2. Social and Cultural Impact Assessment

بر ضرورت شناسایی ذی‌نفعان و مشارکت آن‌ها در فرآیند تصمیم‌گیری تأکید نموده است [۱۴، ۱۵]. استیوز<sup>۸</sup> و همکاران (۲۰۱۲) نشان دادند که مشارکت جامعه محلی در فرآیند ارزیابی اثرات اجتماعی می‌تواند پذیرش و موفقیت پروژه‌های توسعه‌ای را افزایش دهد [۱۶]. مطالعات اخیر نیز به بررسی عوامل تعدیل‌کننده و شاخص‌های جدید پرداخته‌اند؛ به‌طور مثال، مالا<sup>۹</sup> (۲۰۲۵) ابزار پیمایشی کوتاهی برای سنجش کیفیت فضاهای عمومی ارائه کرده که امکان پایش سریع ادراک شهروندان در میداين و پیاده‌راه‌ها را فراهم می‌آورد [۱۷]. چي و همکاران<sup>۱۱</sup> (۲۰۲۴) دریافتند که احساس امنیت، کیفیت دیداری و حس تعلق مکانی نقش تعدیل‌کننده در تأثیرگذاری فضاهای عمومی بر انسجام اجتماعی دارند [۱۸] و کماني فرد و پایدار (۲۰۲۴) نشان دادند که تعلق مکانی می‌تواند تاب‌آوری اجتماعی در برابر تغییرات محیطی و پروژه‌های شهری را افزایش دهد [۱۹]. عبدالرحیمان و همکاران<sup>۱۱</sup> (۲۰۲۴) شاخص تأثیر مثبت نسبی<sup>۱۲</sup> را برای سنجش اثرات اجتماعی-فرهنگی پروژه‌های باززنده‌سازی شهری معرفی کرده است [۲۰]. لین، بروئر و گوی<sup>۱۳</sup> (۲۰۲۲) به ارزیابی تأثیرات گسترش سیستم‌های مترو بر توسعه شهری و رضایت استفاده‌کنندگان پرداختند و نشان دادند سیستم‌های مترو از طرق مختلف بر توسعه شهری مانند افزایش تحرک نیروی کار، افزایش بهره‌وری شهری و ترویج استفاده از فضای زیرزمینی شهری برای تطبیق عملکردهای شهری تأثیر می‌گذارند و باعث افزایش رضایت شهروندان می‌شوند [۲۱].

مطالعات متعددی در ایران به بررسی میداين و فضاهای عمومی و اثرات پروژه‌های ساماندهی پرداخته‌اند. کماني فرد و پایدار<sup>۱۴</sup> (۲۰۲۴) نشان دادند دل‌بستگی به مکان می‌تواند ابعاد متفاوت رفاه را بهبود بخشد. همچنین می‌تواند اثرات منفی عوامل استرس‌زای محیطی بر رفاه را کاهش دهد. علاوه بر این، باغ‌های سنتی و ویژگی‌های مناظر محلی، بسته به میزان ارائه تاریخ و فرهنگ محلی، به دل‌بستگی به مکان قوی‌تر کمک می‌کنند. علاوه بر این، دل‌بستگی به مکان بالاتر، مشارکت مدنی و اعتماد اجتماعی را ارتقا می‌دهد. دل‌بستگی به مکان همچنین به افراد مسن کمک می‌کند تا با مشکلات پیری در محیط‌های زندگی خود کنار بیایند. در نهایت، یک ارتباط متقابل سودمند بین دل‌بستگی به مکان و قابلیت پیاده‌روی ادراک شده در محله و همچنین رابطه‌ای بین مقیاس مکان و سطح دل‌بستگی وجود دارد [۱۹]. نقیبي و همکاران<sup>۱۵</sup> (۲۰۲۴) نشان دادند که فضاهای سبز کوچک بر تعاملات اجتماعی و ادراک شهروندان تأثیر مستقیم دارند و توزیع نابرابر آن‌ها به نابرابری فضایی منجر می‌شود [۲۲].

علوی و همکاران<sup>۱۶</sup> (۲۰۲۴) با استفاده از نظریه گراف و تحلیل

پیرامونی آن چه تأثیراتی در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی داشته است؟ و چگونه می‌توان با تقویت فرآیند بهره‌برداری، آثار مثبت آن را افزایش و آثار منفی را کاهش داد؟  
سؤالات فرعی:

- طرح ساماندهی میدان الغدير با چه اهداف و رویکردهایی طراحی و اجرا شده و تا چه اندازه توانسته به تحقق آن اهداف دست یابد؟
- حوزه‌ها و محدوده‌های اثرپذیری پروژه (مستقیم، بلافاصل و فراگیر) و گروه‌های انسانی ذی‌نفع آن چگونه قابل تعریف‌اند؟
- اجرای پروژه چه پیامدهای مثبت و منفی برای گروه‌های مختلف ذی‌نفع به همراه داشته و تا چه اندازه بر حس تعلق، عدالت فضایی و انسجام اجتماعی مؤثر بوده است؟
- وضعیت مطلوب بهره‌برداری و مدیریت پس از اجرای پروژه چگونه باید باشد و چه راهکارهایی می‌تواند در جهت افزایش کارآمدی و پایداری اجتماعی-فرهنگی میدان الغدير مؤثر واقع شود؟

### ۳. پیشینه پژوهش

فضاهای عمومی شهری و به‌ویژه میداين همواره کانون توجه پژوهشگران در حوزه‌های برنامه‌ریزی شهری، جامعه‌شناسی شهری و ارزیابی تأثیرات اجتماعی بوده‌اند. مرور ادبیات نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از مطالعات بر نقش میداين در شکل‌دهی به تعاملات اجتماعی، تقویت هویت مکانی و مدیریت پیامدهای فرهنگی-اجتماعی مداخلات شهری تأکید کرده‌اند. در ادامه برخی از مهم‌ترین پژوهش‌ها در این زمینه ارائه می‌شود: پژوهش‌های کلاسیک و نظریه‌های بنیادین درباره فضاهای شهری و سرزندگی اجتماعی نشان می‌دهند که تعاملات انسانی و کیفیت طراحی فضاهای عمومی نقش مهمی در انسجام اجتماعی و تعلق مکانی دارند. به عنوان مثال، جاکوبز<sup>۱</sup> (۱۹۶۱) در کتاب خود مرگ و زندگی شهرهای آمریکای بزرگ بر حضور پیوسته مردم در فضاهای عمومی و مفهوم چشمان بر خیابان به عنوان عاملی برای ارتقای امنیت اجتماعی و سرزندگی شهری تأکید کرده است [۲]. لینچ<sup>۲</sup> (۱۹۶۰) اهمیت تصویرپذیری و عناصر نمادین فضا را برای شکل‌گیری هویت شهری مورد توجه قرار داده است [۱۱]. همچنین، نظریه‌های حس مکان و تعلق مکانی توسط رلف<sup>۳</sup> (۱۹۷۶) و توان<sup>۴</sup> (۱۹۷۷) نشان داده‌اند که پیوند عاطفی افراد با فضاها میزان پذیرش یا مقاومت آن‌ها در برابر مداخلات شهری را تعیین می‌کند [۱۲، ۱۳]. گهل<sup>۶</sup> (۲۰۱۰) نیز بر این نکته تأکید دارد که طراحی انسان‌محور می‌تواند تعاملات اجتماعی در میداين و خیابان‌ها را تقویت کند [۶].

در حوزه ارزیابی اثرات اجتماعی-فرهنگی پروژه‌های شهری، ونکلی<sup>۷</sup> (۲۰۲۴، ۲۰۲۳) اصول ارزیابی تأثیرات اجتماعی را معرفی کرده و

8. Estevez

9. Mela

10. Qi et al.

11. Abdurahiman et al.

12. Relative Positive Impact Index ,RPII

13. Lin, Broere, & Gui

14. Kamani Fard & Paydar

15. Naghibi et al.

16. Alavai et al..

1. Jaqubs

2. The Death and Life of Great American Cities

3. Lynch

4. Relph

5. Tuan

6. Gehl

7. Vanclay

حداقل هزینه، نتایج، عوامل مقاومت بحرانی، اتصال فعلی و وضعیت هزینه، درجات مختلف بهره‌مندی مناطق مختلف از خدمات اکوسیستم فضای سبز و موثرترین مسیرها برای ایجاد کریدورهای سبز را تعیین کردند. یافته‌های تحقیق، نابرابری‌های قابل توجهی را در دسترسی به این خدمات، به ویژه در مناطق مرکزی محروم تهران نشان داد [۲۳]. اکبری (۱۴۰۲) نشان داد کلان‌شهر تهران بیشترین امتیاز پارک‌ها و فضاهای سبز شهری را دارد اما با توجه به میزان جمعیت متمرکز شده در این کلان‌شهر، این شهر با حالت مطلوب و ایده‌آل فاصله دارد. بعد از کلان‌شهر تهران کلان‌شهرهای شیراز و مشهد دارای امتیازهای زیادی در زمینه پارک‌ها و فضاهای سبز شهری هستند. در میان کلان‌شهرهای مطالعه‌شده، شهر رشت ضعیف‌ترین و کمترین امتیاز را کسب کرده و این شهر در زمینه نماگرهای مورد بررسی نیازمند توجه ویژه است. پروین (۱۴۰۳) در ارزیابی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی احداث پارکلت کتاب به‌مثابه یک فضای شهری کوچک، منعطف و کاربردی در خیابان فخر رازی تهران نشان داد پیامدهای احتمالی احداث پروژه شامل تأثیرات مثبت و منفی مانند شکل‌گیری حوزه عمومی به‌ویژه برای گروه‌های کم‌قدرت، شکل‌گیری پیوندهای اجتماعی و کردارهای مشارکتی، شکل‌گیری هویت محله‌ای و منطقی‌های، افزایش مشارکت گروه‌های مختلف، احساس تعلق شهروندان به محله، بهبود کسب‌وکارهای مجاور و نندالیسم. افزایش ترافیک در محدوده و ایجاد معارضه با کسبه محل می‌شود [۲۴].

جهانی دولت‌آباد و جهانی دولت‌آباد (۱۴۰۰) در مطالعه بازار شهرستانی نشان داد ضعف رویکرد مشارکتی باعث شده است ناهماهنگی و بی‌سازمانی ایجاد شود و عدم اتکا به آرا کارشناسان باعث عدم جلب مشارکت از سوی ساکنین و کسبه شده است [۲۵]. نوروزی و سجاده‌زاده (۱۳۹۹) در بررسی میدان امام حسین تهران نشان دادند غنای حسی و توجه به مقیاس انسانی و پیاده‌مدار بودن، خوانایی، ایمنی و امنیت تأثیرگذارترین عوامل در ارتقاء کیفیت‌های پلازاهای شهری هستند، اما طراحی پلازای امام حسین (ع) در تأمین اغلب شاخصه‌های کیفی مورد بررسی موفق نبوده است. نبود برنامه و بی‌توجهی به خرده‌فضاها و خرده‌فروشی و نبود مدیریت زمین و تنوع کاربری‌ها پس از تبدیل شدن به فضای پیاده و همچنین فقدان مدیریت برای جریان‌سازی و رویدادپذیری فضای میدان، نیز از دلایل دیگر در عدم توفیق پروژه می‌باشد [۲۶]. حسین زاده و معینی (۱۳۹۹) در تحلیل پروژه میدان شهدا مشهد، نشان دادند که منظر شهری و طراحی فرمال، بدون درک زمینه اجتماعی و فرهنگ محل، نمی‌تواند حس تعلق را ارتقاء دهد و بر ضرورت طراحی مبتنی بر روایت‌های محلی و حضور فعال ساکنان تأکید کردند [۲۷]. جهانی دولت‌آباد و جهانی دولت‌آباد (۱۴۰۰) به بررسی تأثیرات اجتماعی پروژه پیاده‌راه‌سازی در بلوار امام‌زاده حسن کرج پرداخت. نتایج نشان داد که افزایش امنیت، کاهش ترافیک و بهبود کیفیت فضایی با رضایت عمومی همراه بوده، اما برخی پیامدهای فرهنگی و اقتصادی منفی برای کسبه نیز مشاهده شده است [۲۵].

صفای‌رینه و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه پیاده‌راه ۱۷ شهریور تهران دریافتند که حذف مشاغل غیررسمی و بی‌توجهی به گروه‌های کم‌درآمد موجب کاهش عدالت فضایی و افزایش نارضایتی اجتماعی شده است [۲۸]. پروین و شالچی (۱۳۹۷) با بررسی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی اجرای پروژه بزرگراه سعیدآباد در منطقه ۱۸ شهرداری تهران و با اتکا بر نظریه لوفور درباره ابعاد اجتماعی فضاهای شهری نشان دادند اجرای پروژه اگرچه موجب تسهیل در حمل‌ونقل عمومی و افزایش ماندگاری ساکنان در محل شده است، اما پیامدهای منفی قابل توجهی نظیر نارضایتی برخی معارضان، فشارهای روانی، ایجاد پاتوق‌های ناسالم شهری، تخریب فضای سبز و افزایش آلودگی زیست‌محیطی نیز به همراه داشته است [۲۴]. نویسندگان نتیجه گرفتند که فقدان مطالعات ارزیابی تأثیرات اجتماعی-فرهنگی پیش از مداخله، موجب بروز پیامدهای ناخواسته و کاهش پایداری اجتماعی در پروژه‌های عمرانی شهری می‌شود. در بررسی پروژه ساماندهی میدان نیلوفر در تهران که با استفاده از مدل ارزیابی چندبعدی، ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی پروژه مورد سنجش قرار گرفت، نشان دادند که احساس امنیت، تعلق مکانی، کیفیت زندگی و تعاملات اجتماعی به‌طور معناداری تحت تأثیر مداخله قرار گرفته‌اند. مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد که اگرچه پژوهش‌های متعددی به تبیین نقش فضاهای عمومی و میدانی شهری در ارتقای تعاملات اجتماعی، هویت مکانی و سرزندگی شهری پرداخته‌اند، اما چند کاستی مشترک در این بدنه‌ی پژوهشی مشاهده می‌شود. نخست آن‌که بخش عمده‌ای از پژوهش‌ها ماهیتی توصیفی داشته و کمتر به تحلیل روابط علی‌میان کیفیت طراحی فضا، ادراک اجتماعی و پیامدهای فرهنگی-اجتماعی مداخلات شهری پرداخته‌اند. دوم، در بسیاری از مطالعات، پیوند میان نظریه‌های کلاسیک حس مکان و رویکردهای نوین ارزیابی اجتماعی به‌صورت نظام‌مند برقرار نشده و چارچوب نظری یکپارچه‌ای برای تحلیل میدان شهری به‌عنوان گرهی اجتماعی-کالبدی ارائه نگردیده است.

در سطح روش‌شناختی، بیشتر ارزیابی‌ها بر رویکردهای پسینی و سنجش پیامدهای پروژه‌های اجراشده متکی‌اند، در حالی که ارزیابی‌های پیشینی و مشارکت‌محور کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از سوی دیگر، مطالعات داخلی هرچند تصویر نسبتاً دقیقی از پیامدهای اجتماعی مداخلات شهری در شهرهای مختلف ارائه می‌کنند، اما عموماً فاقد مقایسه تطبیقی، تعمیم‌پذیری و پیوند نظری با ادبیات جهانی‌اند. همچنین، تمرکز غالب بر ابعاد کالبدی و کم‌توجهی به زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و گروه‌های اجتماعی متنوع موجب شده است که تحلیل‌ها در سطح طراحی فضایی باقی بمانند و کمتر به ابعاد عدالت فضایی و تاب‌آوری اجتماعی بپردازند.

بر این اساس، شکاف اصلی پژوهش‌ها در نبود رویکردی تلفیقی میان طراحی فضایی، ادراک اجتماعی و ارزیابی اثرات فرهنگی-اجتماعی نهفته است. این خلأ ضرورت انجام پژوهشی را آشکار می‌سازد که بتواند با بهره‌گیری از چارچوب نظری منسجم و روش ارزیابی ترکیبی، نقش میدانی شهری را در شکل‌دهی به تعاملات

ارتباطی، میدان را به‌عنوان عرصه‌ای برای ظهور کنش جمعی و گفت‌وگوی عمومی تبیین کرده‌اند. آرنِت<sup>۳</sup> (۱۹۵۸) میدان را فضایی می‌داند که در آن انسان از طریق کنش و گفتار در برابر دیگران ظاهر می‌شود و آگاهی از شهروند بودن را تجربه می‌کند [۳۲]. هابرماس (۱۹۹۱) نیز مفهوم فضای عمومی ارتباطی را مطرح کرده است که در آن مشروعیت اجتماعی از رهگذر گفت‌وگو و حضور متقابل شهروندان شکل می‌گیرد [۳۳]. بر این اساس، میدان شهری مکانی است که مردم در آن حضور یافته، ارتباط برقرار می‌کنند و از طریق تعامل، هویت جمعی و مدنی خود را بازی‌سازی می‌کنند. در مورد میدان میدان‌الغدیر، این نظریه می‌تواند نشان دهد که آیا فضای سامان‌یافته کنونی توانسته است زمینه‌ی گفت‌وگو، تعامل و حضور فعال شهروندان را فراهم آورد یا خیر.

ریچارد سنت<sup>۴</sup> (۲۰۱۸) در امتداد این دیدگاه، میدان را «فضای تربیت مدنی» می‌داند که انسان از طریق مواجهه با دیگری و تجربه‌ی تنوع اجتماعی، مهارت‌های شهروندی را می‌آموزد [۳۴]. از نگاه او، میدان شهری نه تنها محل گذر، بلکه عرصه‌ی پرورش فرهنگ شهروندی و یادگیری مدارا است. بنابراین بررسی میدان میدان‌الغدیر از منظر سنت می‌تواند نشان دهد که آیا طراحی و کارکرد جدید میدان موجب تقویت روابط مدنی و ظرفیت‌های فرهنگی شده یا موجب انزوای اجتماعی گردیده است.

در دیدگاه کالبدی-اجتماعی، زوکر<sup>۵</sup> (۲۰۰۵) و لئون کریر<sup>۶</sup> (۱۹۸۴) میدان را عنصری بنیادین در ساخت فضای شهری می‌دانند [۳۵، ۳۶]. زوکر میدان را ساختاری طراحی‌شده توصیف می‌کند که چارچوبی برای مجموعه‌ای از فعالیت‌های انسانی فراهم می‌سازد. از نظر او، میدان هم جزء فیزیکی شهر است و هم بستر تعاملات اجتماعی. کریر نیز میدان را نخستین تمهید انسان برای بهره‌مندی از فضای شهری می‌داند و تأکید می‌کند که اصالت میدان در محوریت پیاده و قابلیت تجمع مردمی آن نهفته است. بر این اساس، میدان میدان‌الغدیر باید از منظر تناسب میان طراحی کالبدی، سهولت حضور پیاده و امکان تعامل اجتماعی ارزیابی شود.

در سنت شهرسازی ایرانی، میدان همواره حامل معناهای آیینی و نمادین بوده است. ریشه تاریخی واژه میدان در ایران با آیین مهر و فضاهای گردهمایی مذهبی مرتبط است. در دوره‌های تاریخی بعد، میدان به‌عنوان فضای عمومی مرکزی، محل برگزاری آیین‌ها، مراسم و تعاملات اجتماعی بوده است. عناصر نمادین مانند آب، مرکزیت و بازبودن فضا نشان‌دهنده پیوند میان معنای معنوی، زیبایی‌شناختی و اجتماعی میدان‌اند [۳۷]. بر این مبنای، میدان میدان‌الغدیر که واجد پیشینه مذهبی-تاریخی است، باید در چارچوب نمادین و فرهنگی خود تحلیل شود تا مشخص گردد آیا ساماندهی جدید

اجتماعی و احساس تعلق مکانی در بستر فرهنگی و اجتماعی خاص هر شهر بررسی کند.

#### ۴. چارچوب نظری

فرانک ونکلی با ارائه چارچوب بین‌المللی ارزیابی تأثیرات اجتماعی، بر این نکته تأکید می‌کند که هر پروژه عمرانی و شهری پیامدهای اجتماعی و فرهنگی گسترده‌ای دارد و بدون در نظر گرفتن این ابعاد، طرح‌ها با شکست یا مقاومت اجتماعی مواجه می‌شوند. اصول اصلی او شامل شناسایی ذی‌نفعان، عدالت اجتماعی، مشارکت مردمی و ارتقاء کیفیت زندگی است [۱۴، ۱۵].

ادوارد رلف (۱۹۷۶) و بی‌فو توان (۱۹۷۷) با معرفی مفاهیم حس مکان و تعلق مکانی نشان داده‌اند که پیوند عاطفی افراد با مکان‌ها عامل کلیدی در شکل‌گیری هویت جمعی است. هرگونه مداخله کالبدی در فضا می‌تواند این پیوند را تقویت یا تضعیف کند. در نتیجه، تحلیل میدان میدان‌الغدیر بر اساس این نظریه می‌تواند نشان دهد که آیا طرح ساماندهی توانسته هویت تاریخی-مذهبی میدان را تقویت کند یا به گسست آن منجر شده است [۱۲، ۱۳].

رابرت پاتنام<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) سرمایه اجتماعی را متشکل از شبکه‌های اجتماعی، اعتماد متقابل و هنجارهای همکاری می‌داند که بقا و توسعه جوامع را امکان‌پذیر می‌سازند. فضاهای عمومی از دیدگاه او بستر مهمی برای تولید سرمایه اجتماعی‌اند [۲۹]. بنابراین، بررسی میدان میدان‌الغدیر بر اساس این نظریه می‌تواند نشان دهد که آیا ساماندهی باعث افزایش اعتماد، تعاملات اجتماعی و انسجام محلی شده یا روابط سنتی را تضعیف کرده است.

#### ۴-۱. نظریه عدالت فضایی

ادوارد سوجا<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) عدالت فضایی را به معنای توزیع عادلانه منابع، خدمات و فرصت‌ها در سطح فضاهای شهری مطرح می‌کند [۳۰]. این نظریه ابزار مناسبی برای تحلیل پیامدهای اجتماعی-اقتصادی مداخلات شهری به شمار می‌آید، به‌ویژه در مواردی که گروه‌های آسیب‌پذیر یا کم‌درآمد از فضا طرد می‌شوند. در مورد میدان میدان‌الغدیر، نظریه عدالت فضایی کمک می‌کند تا بررسی شود که آیا همه گروه‌های اجتماعی از ساماندهی منتفع شده‌اند یا برخی دچار محرومیت شده‌اند [۳۱].

جین جاکوبز (۱۹۶۱) با طرح مفهوم چشمان خیابان نشان داد که حضور مستمر مردم در فضاهای عمومی امنیت و سرزندگی اجتماعی را افزایش می‌دهد [۲]. یان گهل (۲۰۱۰) نیز در نظریه «شهر برای مردم» تأکید کرد که طراحی انسان‌محور - شامل نورپردازی، مبلمان شهری و کیفیت پیاده‌راه‌ها - می‌تواند تعاملات اجتماعی و حس تعلق به فضا را تقویت کند [۶].

#### ۴-۲. نظریه‌های مرتبط با میدان شهری

هانا آرنِت و یورگن هابرماس، هر یک از منظر فلسفه سیاسی و

3. Hannah Arendt  
4. Sennett  
5. Zucker  
6. Krier.

1. Robert Putnam  
2. Edward Soja

جامع تبیین نماید.

#### ۴-۴. تاریخچه پروژه ساماندهی میدان الغدير

میدان الغدير در محله یافت آباد جنوبی منطقه ۱۸ تهران، یکی از مهم‌ترین فضاهای عمومی جنوب غرب پایتخت است که به واسطه قرارگیری در پیوند با محورهای اصلی ارتباطی و نزدیکی به بازار میل، نقشی فراتر از یک میدان محلی ایفا می‌کند. این میدان علاوه بر کارکرد ترافیکی، همواره بستر تعاملات اجتماعی، فرهنگی و مذهبی بوده و وجود مسجد الغدير آن را به یکی از کانون‌های معنوی و هویتی محله تبدیل کرده است. در دهه‌های اخیر، رشد جمعیت، افزایش فعالیت‌های تجاری، فشار ترافیکی و ضعف زیرساخت‌های پیاده‌محور باعث افت کیفیت محیطی و کاهش انسجام فضایی این عرصه شهری شده است.

در واکنش به این چالش‌ها، از اواخر دهه ۱۳۹۰ ضرورت ساماندهی و ارتقای کیفیت میدان الغدير در دستور کار مدیریت شهری قرار گرفت. مطالعات اولیه با هدف تحلیل وضعیت موجود، شناسایی مشکلات کالبدی و اجتماعی و بررسی الگوهای استفاده از فضا آغاز شد. سپس در سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰ پیش‌نویس اولیه طرح ارتقاء کیفی با تأکید بر بهبود دسترسی، اصلاح هندسی، ارتقاء روشنایی، ساماندهی جداره‌ها، بازطراحی پیاده‌راه‌ها و افزایش سرزندگی اجتماعی تهیه گردید. با این حال، تعدد ذی‌نفعان محلی، اختلاف در اولویت‌ها و نگرانی‌های مرتبط با پیامدهای اجتماعی و اقتصادی طرح، لزوم انجام مطالعات عمیق‌تر اجتماعی را آشکار ساخت.

بر همین اساس، بخشی از اقدامات اجرایی در مقیاس کوچک به‌صورت آزمایشی اجرا شد تا امکان سنجش واکنش شهروندان فراهم شود. این اقدامات شامل بهسازی محدود فضای سبز، اصلاح بخشی از پیاده‌روها، نصب مبلمان جدید و ارتقاء روشنایی بود. تجربه تجهیز موقت میدان برای برگزاری آیین‌های مذهبی نیز با استقبال گسترده مواجه شد و نشان داد که میدان ظرفیت بالایی برای ایفای نقش فرهنگی و اجتماعی دارد. در فاز دوم مطالعات، کارشناسان تأکید کردند که طرح نهایی باید فراتر از ارتقاء کالبدی، بر بازتعریف هویت اجتماعی و فرهنگی میدان و تقویت پیوند آن با زندگی روزمره ساکنان تمرکز کند.

طرح جامع ارتقاء کیفی میدان الغدير اکنون در مرحله تکمیل مطالعات اجتماعی (اتاف) و طراحی تفصیلی قرار دارد و نهادهای مختلف شهرداری در آن مشارکت دارند. هدف اصلی طرح، تبدیل میدان الغدير به فضایی ایمن، زنده و مردم‌محور است که ضمن ارتقای کیفیت بصری و عملکردی، بتواند هویت محلی، تعاملات اجتماعی و کیفیت زندگی ساکنان را تقویت کند. انتظار می‌رود اجرای موفق این طرح، الگویی برای بازآفرینی فضاهای عمومی در سایر مناطق جنوب تهران باشد.

موجب تقویت یا کمرنگ شدن این معناها شده است. در دوره مدرن، با غلبه نگرش سواره‌محور و منطق کارکردگرایانه در شهرسازی، ماهیت اجتماعی میدان دچار دگرگونی شد و به فلکه‌ای بدون هویت انسانی تبدیل گردید. عادلوند و موسوی‌لر (۱۳۹۴) معتقدند که میدان مدرن از بستر تاریخی و اجتماعی خود جدا شد و ویژگی تجمع‌پذیری و انسانی‌اش را از دست داد [۳۷]. این دگرگونی بیانگر گذار از «میدان اجتماعی» به «میدان ترافیکی» است؛ پدیده‌ای که موجب کاهش حس تعلق و حذف شهروند از فضا گردید. بنابراین، در ارزیابی میدان الغدير باید به این نکته توجه شود که آیا طرح ساماندهی توانسته است نقش اجتماعی و مردمی میدان را بازآفرینی کند یا آن را به فضایی صرفاً عبوری بدل ساخته است.

#### ۴-۳. جمع‌بندی مطالعات نظری

در مجموع، نظریه‌های فوق بر این نکته تأکید دارند که میدان شهری پدیده‌ای چندبُعدی است که هم‌زمان دارای نقش کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین است. میدان، بستر ظهور هویت جمعی و کنش شهروندی است و کیفیت آن زمانی معنا می‌یابد که تعامل، گفت‌وگو و حس تعلق در آن جاری باشد. بر این اساس، در پژوهش حاضر، میدان میدان الغدير به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فضاهای عمومی جنوب تهران، در چارچوب همین دیدگاه‌ها تحلیل می‌شود تا میزان موفقیت طرح ساماندهی آن در بازتولید حیات اجتماعی، فرهنگی و نمادین میدان بررسی گردد.

با عنایت به مباحث نظری و دیدگاه‌های مطرح‌شده، چارچوب نظری این پژوهش بر مجموعه‌ای از نظریه‌های بنیادین در حوزه فضاهای عمومی، ارزیابی اثرات اجتماعی و به‌ویژه میدان شهری استوار است. این چارچوب تلاش می‌کند تا میدان میدان الغدير را نه تنها به‌عنوان یک عنصر کالبدی، بلکه به‌مثابه فضایی اجتماعی، فرهنگی و نمادین مورد تحلیل قرار دهد.

پایه‌های اصلی این چارچوب عبارت‌اند از:

۱. نظریه ارزیابی تأثیرات اجتماعی [۱۵، ۱۴].
۲. نظریه حس مکان و تعلق مکانی [۱۳، ۱۲].
۳. نظریه سرمایه اجتماعی [۲۹].
۴. نظریه عدالت فضایی [۳۰].
۵. نظریه فضاهای عمومی و حیات شهری [۲، ۶].
۶. نظریه‌های مرتبط با میدان شهری [۳۲، ۵]. نظریه فضای تربیت

مدنی [۳۴]، و دیدگاه‌های کالبدی-اجتماعی زوکر<sup>۱</sup> [۳۶] و کریر<sup>۲</sup> [۳۵] بر این اساس، چارچوب نظری پژوهش حاضر بر پیوند سه بُعد کالبدی، اجتماعی و فرهنگی میدان شهری استوار است و می‌کوشد تا از رهگذر نظریه‌های فوق، داده‌های میدانی میدان میدان الغدير را در پرتو مفاهیم سرزندگی، تعلق مکانی، عدالت فضایی و هویت جمعی تحلیل کند و پیامدهای مثبت و منفی طرح ساماندهی را به‌صورت

1. Zucker  
2. Krier

## ۵. شرح استقرار پروژه میدان الغدير

میدان الغدير در جنوب محله یافت‌آباد و در ناحیه ۲ منطقه ۱۸ تهران واقع شده و در تقاطع بلوار الغدير، خیابان امام خمینی و خیابان بهمنیار قرار دارد. این موقعیت، میدان را به یکی از گره‌های ارتباطی اصلی جنوب غرب تهران تبدیل کرده است؛ به گونه‌ای که علاوه بر اتصال محلات داخلی یافت‌آباد، مسیرهای دسترسی به بزرگراه آزادگان، بازار مبل و مناطق ۱۷ و ۱۹ را نیز تسهیل می‌کند. ظرفیت بالای تردد روزانه، فعالیت‌های تجاری گسترده و پیوند قوی با شبکه حمل‌ونقل شهری، اهمیت ترافیکی و عملکردی این میدان را دوچندان کرده است.

پیرامون میدان مجموعه‌ای از کاربری‌های تجاری، خدماتی، آموزشی و به‌ویژه مسجد الغدير قرار دارد که میدان را به کانونی برای تجمعات اجتماعی، فرهنگی و مذهبی شهروندان تبدیل کرده است. بافت نیمه‌فروسله و ناهمگون اطراف، همراه با تراکم بالای فعالیت‌ها، ضرورت ساماندهی و ارتقای کیفی این فضا را برجسته می‌سازد. به دلیل موقعیت راهبردی، کارکرد چندمنظوره و نقش هویتی میدان، اجرای پروژه ارتقاء کیفی در این محدوده نه تنها بر ساختار فضایی محله، بلکه بر کیفیت زندگی و جریان فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی منطقه اثر مستقیم خواهد داشت.

## ۵-۱. قلمرو و دامنه جغرافیایی پروژه

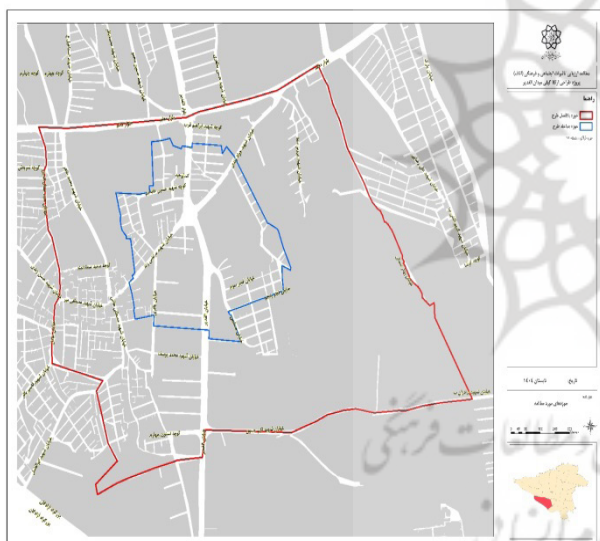
دامنه اثرگذاری طرح ساماندهی میدان الغدير در سه سطح تعریف می‌شود:

حوزه مداخله: شامل میدان الغدير و بخشی از خیابان‌های منتهی به آن شامل بلوار الغدير از شمال و جنوب و خیابان زندیه از شرق و غرب، به‌عنوان عرصه اصلی اجرای طرح محسوب می‌شوند.

حوزه بلافصل: میدان الغدير با محلات مجاور نظیر یافت‌آباد شمالی، تولیددارو، صادقیه جنوبی، سعیدآباد و شهرک ولی عصر (عج) را می‌توان به‌عنوان حوزه بلافصل طرح در نظر گرفت.

حوزه فراگیر: کل منطقه ۱۸ شهرداری تهران به‌عنوان حوزه فراگیر محسوب می‌شود، زیرا آثار کالبدی، زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی طرح در سطح منطقه بازتاب پیدا می‌کند.

نقشه زیر حوزه‌های سه‌گانه و محدوده اثرگذاری طرح را نشان می‌دهد.

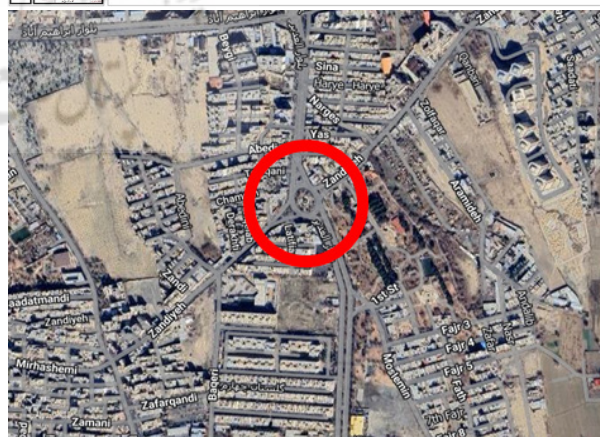


نقشه ۲. حوزه‌های سه‌گانه و محدوده اثرگذاری پروژه ماخذ نگارندگان

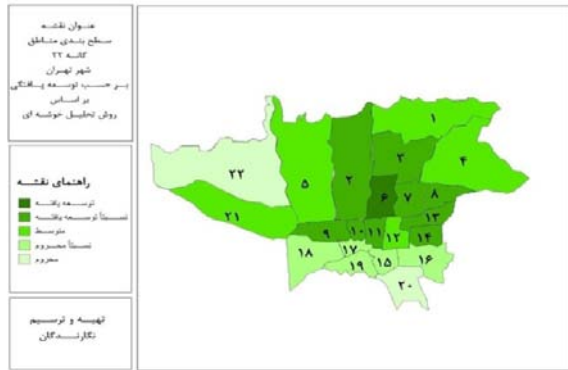
## ۵-۲. سیمای اجتماعی و کالبدی محدوده مورد مطالعه

### وضعیت توسعه‌یافتگی منطقه ۱۸

در ادامه برخی شاخص‌های توسعه‌یافتگی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و زیربنایی- مسکن در سال ۱۳۹۶ در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران آورده شده‌اند که براساس آن منطقه ۱۸ در زمره مناطق نسبتاً محروم شهر است.



نقشه ۱. موقعیت میدان الغدير در منطقه ۱۸ و حوزه بلافصل پروژه ماخذ نگارندگان



نقشه ۳. وضعیت توسعه یافتگی منطقه ۱۸ در میان مناطق ۲۲ گانه شهر تهران [۳۸].

کیفیت زندگی در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران [۳۸]. توصیف وضعیت اجتماعی منطقه ۱۸ از حیث کیفیت زندگی براساس شاخص‌های کیفیت زندگی بررسی شده مناطق شهر تهران در مطالعه‌ای در سال ۱۳۹۰، منطقه ۱۸ از سطح متوسط کیفیت زندگی در میان سایر مناطق برخوردار است. (جدول ۲)

جدول ۲. شاخص‌های کیفیت زندگی در مطالعه [۳۹].

ردیف	گروه	تعداد شاخص‌ها
۱	جمعیت و مشارکت اجتماعی	۱۰
۲	اقتصاد محله	۶
۳	فرهنگ، هویت و حس تعلق محله‌ای	۸
۴	حکمرانی، مدیریت شهری و امنیت اجتماعی	۱۳
۵	محیط زیست محله	۱۰
۶	شهرسازی و امکانات کالبدی	۱۰
۷	اماکن ورزشی، تفریحی و فرهنگی	۵
۸	کیفیت جابه‌جایی و معابر در محله	۳

منطقه ۱۸ تهران یکی از پهناهای راهبردی جنوب پایتخت است که به دلیل تنوع کاربری‌های صنعتی، تجاری، خدماتی و مسکونی، نقش مهمی در پشتیبانی اقتصادی و لجستیکی شهر ایفا می‌کند. قرارگیری در مسیر محورهای ارتباطی مهم مانند بزرگراه آزادگان و جاده ساوه، همراه با تمرکز فعالیت‌های تولیدی و انبارداری، این منطقه را به یکی از کانون‌های اصلی توزیع کالا در تهران تبدیل کرده است. بازار مبل یافت‌آباد نیز با شعاع عملکرد ملی، جایگاه اقتصادی منطقه را تقویت کرده و سهم مهمی در اشتغال و مبادلات تجاری جنوب تهران دارد.

با وجود این ظرفیت‌ها، کیفیت زندگی در منطقه ۱۸ پایین‌تر از میانگین شهر ارزیابی شده است؛ مسائلی همچون فرسودگی بافت

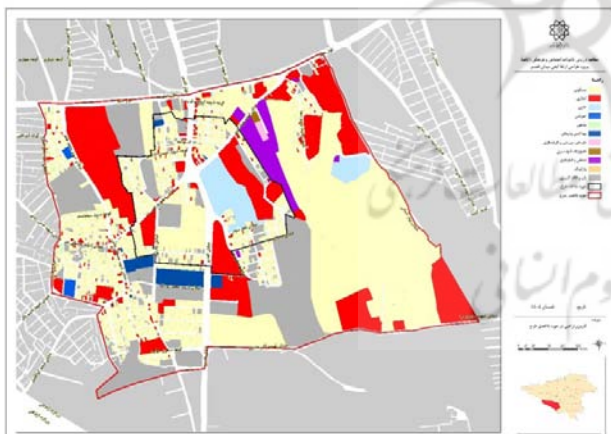
جدول ۱. شاخص‌های توسعه یافتگی در مطالعه صالحی و همکاران، (۱۳۹۶) [۳۸].

نسبت شاغلین مرد بخش آموزش	شاخص‌های فرهنگی-اجتماعی
نسبت شاغلین زن بخش آموزش	تعداد سازمان‌های فرهنگی هنری به ازای هر ده هزار
نسبت کارکنان ماهر زن بخش کشاورزی	تعداد تالارهای نمایشی به ازای هر ده هزار نفر
نسبت کارکنان ماهر مرد بخش کشاورزی	تعداد نگارخانه به ازای هر ده هزار نفر
نسبت صنعتگران مرد نسبت به کل شاغلین	تعداد فرهنگسرا به ازای هر ده هزار نفر
نسبت صنعتگران زن نسبت به کل شاغلین	تعداد موزه در ده هزار نفر
نسبت اشتغال ناخالص مردان	نسبت دارندگان پیلم به کل جمعیت ۲۰ ساله به بالا
نسبت اشتغال ناخالص زنان	نسبت دارندگان کارشناسی به کل جمعیت ۲۰ ساله به بالا
نرخ اشتغال ناخالص کل	نسبت دارندگان کارشناسی ارشد به کل جمعیت ۲۰ ساله به بالا
معکوس بار تکفل ناخالص	نسبت دارندگان دکترا به جمعیت بیست سال به بالا
معکوس بار تکفل خالص	معکوس نسبت کودکان بی‌سواد ۷ ساله
شاخص‌های مسکن و زیربنایی	معکوس نسبت کودکان بی‌سواد ۸ ساله
درصد خانوارهای دارای برق	معکوس نسبت کودکان بی‌سواد ۹ ساله
درصد خانوارهای دارای تلفن ثابت	معکوس نسبت کودکان بی‌سواد ۱۰ ساله
درصد خانوارهای دارای آب لوله‌کشی	درصد باسوادی زنان نسبت به کل جمعیت زنان
درصد خانوارهای دارای گاز لوله‌کشی	درصد باسوادی مردان نسبت به کل جمعیت زنان
معکوس درصد واحدهای مسکونی پنجاه متر و کمتر	شاخص‌های اقتصادی
مسکن بادوام	نرخ مشارکت اقتصادی
درصد واحدهای بالای دویست متر	معکوس نرخ بیکاری
درصد خانوارهای دارای دستگاه حرارت مرکزی	درصد قانونگذاران مرد نسبت به کل شاغلین
درصد خانوارهای دارای دستگاه حرارت و پروت مرکزی	درصد قانونگذاران زن نسبت به کل شاغلین
درصد خانوارهای دارای آشپزخانه	درصد متخصصان مرد نسبت به کل شاغلین
درصد خانوارهای دارای حمام	نسبت متخصصان زن نسبت به کل شاغلین
نسبت واحد مسکونی به ازای هر خانوار	نسبت شاغلین مرد بخش حمل و نقل
درصد مالکیت واحدهای مسکونی	نسبت شاغلین زن بخش حمل و نقل

کاربری اراضی محدوده مورد مطالعه  
جدول ۴ و نقشه زیر کاربری‌ها و سرانه خدمات حوزه بلافصل  
پروژه را نشان می‌دهد.

جدول ۴. وضعیت کاربری اراضی حوزه بلافصل ماخذ نگارندگان

ردیف	نوع کاربری	مساحت (متر مربع)	سرانه
۱	مسکونی	۱۱۶۳۷۴۲/۳۴	۳۲/۹۶
۲	تجاری	۴۷۴۷۹۹/۷۴	۱۳/۴۵
۳	آموزشی	۸۱۰۷/۶۶	۰/۲۳
۴	اداری	۸۶۷۵۲/۲۸	۲/۴۶
۵	بهداشتی- درمانی	۳۹۰۸۳/۱۳	۱/۱۱
۶	تجهیزات شهری	۶۵۸/۸۱	۰/۰۲
۷	تفریحی- ورزشی- گردشگری	۳۸۸۹/۵۶	۰/۱۱
۸	خدماتی	۲۰۴۶/۱۹	۰/۰۶
۹	صنعتی و انبارداری	۵۶۷۴۵/۷۹	۱/۶۱
۱۰	مذهبی	۳۶۵۰/۶۸	۰/۱۰
۱۱	پارکینگ	۷۷/۶۰	۰/۰۰۲
۱۲	سایر	۴۹۳۵۱۴/۲۸	۱۳/۹۸
۱۳	مجموع	۲۳۳۳۰۶۸/۰۶	۶۶/۰۷
۱۴	مسکونی	۱۱۶۳۷۴۲/۳۴	۳۲/۹۶



نقشه ۴. کاربری اراضی حوزه بلافصل پروژه ماخذ نگارندگان

حوزه بلافصل پیرامون میدان الغدير، یکی از متراکم‌ترین  
بخش‌های محله یافت‌آباد جنوبی است که با جمعیتی حدود  
۳۵ هزار نفر و ترکیبی از کاربری‌های مسکونی، تجاری، مذهبی  
و خدماتی، نقشی مهم در سازمان فضایی و اجتماعی محله دارد.  
تحلیل کاربری‌ها نشان می‌دهد که اگرچه سهم مسکونی از نظر  
سرانه به استاندارد نزدیک است، اما فرسودگی بافت، تراکم بالا و

مسکونی، کمبود فضاهای سبز و خدمات عمومی، آلودگی محیطی  
و ازدحام ترافیک از چالش‌های اصلی آن به شمار می‌رود. از نظر  
اجتماعی نیز ترکیب جمعیتی متنوع و ناهمگون منطقه، در غیاب  
سازوکارهای مشارکتی قوی، به کاهش انسجام اجتماعی و تضعیف  
حس تعلق در برخی نواحی منجر شده است. این شرایط لزوم  
توجه به ارتقای کیفیت محیطی و اجتماعی در برنامه‌های توسعه  
شهری منطقه ۱۸ را برجسته می‌سازد. (جدول ۳)

جدول ۳. وضعیت کیفیت زندگی در منطقه ۱۸ در میان مناطق ۲۲ گانه  
شهر تهران [۳۹].

منطقه	وضعیت برخورداری	نمره ارزیابی
منطقه ۲	توسعه یافته	۰/۵۳۴۸
منطقه ۱	توسعه یافته	۰/۵۳۳۷۲
منطقه ۶	توسعه یافته	۰/۵۳۲۶۶
منطقه ۲۲	توسعه یافته	۰/۵۲۰۹۴
منطقه ۳	توسعه یافته	۰/۵۱۲۱۷
منطقه ۲۱	متوسط	۰/۴۹۱۰۳
منطقه ۵	متوسط	۰/۴۸۸۱۴
منطقه ۸	متوسط	۰/۴۸۱۶۲
منطقه ۱۳	متوسط	۰/۴۶۹۵۱
منطقه ۲۰	متوسط	۰/۴۶۹۱۴
منطقه ۴	متوسط	۰/۴۶۴۶۱
منطقه ۷	کم‌برخوردار	۰/۴۵۲۷۶
منطقه ۱۶	کم‌برخوردار	۰/۴۴۶۱۲
منطقه ۱۹	کم‌برخوردار	۰/۴۴۲۲۲
منطقه ۱۴	کم‌برخوردار	۰/۴۲۹۳۶
منطقه ۱۱	کم‌برخوردار	۰/۴۲۵۷۰
منطقه ۱۲	کم‌برخوردار	۰/۴۲۳۲۴
منطقه ۱۵	کم‌برخوردار	۰/۴۱۹۸۵
منطقه ۹	نیازمند مداخله	۰/۴۱۹۵۹
منطقه ۱۷	نیازمند مداخله	۰/۴۰۹۵۴
منطقه ۱۰	نیازمند مداخله	۰/۴۰۷۶۱
منطقه ۱۸	نیازمند مداخله	۰/۴۰۱۵۴

جدول ۵. چارچوب مفهومی پژوهش ماخذ نگارندگان

مبنای نظری	مفاهیم کلیدی	پیامدهای مثبت احتمالی	پیامدهای منفی احتمالی	شاخص‌های سنجش
ونکلی (۲۰۰۳؛ ۲۰۲۴) نظریه ارزیابی تأثیرات اجتماعی	مشارکت، عدالت اجتماعی، کیفیت زندگی	افزایش رضایت و حس تعلق، تقویت سرمایه اجتماعی	بی‌اعتمادی، حذف گروه‌های محلی	میزان مشارکت، ادراک عدالت، رضایت شهروندان
رلف (۱۹۷۶) و توان (۱۹۷۷) حس و تعلق مکانی	هویت، پیوند عاطفی با فضا	حفظ هویت تاریخی-فرهنگی، تقویت خاطره جمعی	گسست از بافت تاریخی، بی‌هویتی	احساس تعلق، ادراک هویت مکانی
پاتنام (۱۹۹۳؛ ۲۰۰۰) سرمایه اجتماعی	تعامل، اعتماد، همبستگی	افزایش تعاملات و اعتماد اجتماعی	تضعیف روابط سنتی، حذف گروه‌های غیررسمی	میزان تعامل، اعتماد متقابل
سوجا (۲۰۱۰) عدالت فضایی	دسترسی، توزیع منابع، برابری فضایی	دسترسی برابر به فضا و خدمات	طرد اقشار کم‌درآمد، تمرکز امکانات	سنجش دسترسی گروه‌های مختلف
جاکوبز (۱۹۶۱) و گهل (۲۰۱۰) فضاهای عمومی و حیات شهری	سرزندگی، امنیت، حضور پیاده	افزایش حضور و سرزندگی، ارتقای امنیت	کاهش کارکرد اجتماعی، غلبه ترافیک	تراکم حضور، زمان ماندگاری، احساس امنیت
آرنت و هابرماس، سنت، زوکر، کریر نظریه‌های میدان شهری	کنش جمعی، گفت‌وگو، تجمع، نمادگرایی	احیای نقش مدنی و آیینی میدان، تقویت هویت نمادین	تبدیل میدان به فلکه عبوری، کاهش تعامل مدنی	برگزاری رویدادهای جمعی، ادراک نمادین فضا

با هدف عملیاتی‌سازی<sup>۱</sup> مفاهیم نظری تدوین گردیده است تا ارتباط میان نظریه‌ها، مفاهیم کلیدی و پیامدهای قابل مشاهده در میدان الغدیر مشخص شود. در این چارچوب، هر نظریه اصلی به مجموعه‌ای از مفاهیم و شاخص‌ها تبدیل شده که امکان سنجش میدانی آن‌ها فراهم است. همچنین، برای هر محور نظری، پیامدهای مثبت و منفی مداخله الغدیر در میدان الغدیر استخراج شده تا در مرحله‌ی ارزیابی میدانی (پرسش‌نامه و مشاهده مستقیم) به‌طور مقایسه‌ای مورد سنجش قرار گیرد. جدول ۵ ساختار مفهومی پژوهش را نشان می‌دهد.

## ۷. روش پژوهش

با توجه به ماهیت پژوهش، این مطالعه از نوع کاربردی و از نظر رویکرد، ترکیبی (کمی-کیفی) بود. در ارزیابی‌های اجتماعی و فرهنگی، استفاده از روش‌های ترکیبی امکان دستیابی به تحلیلی جامع‌تر و واقع‌بینانه‌تر از پیامدهای مداخله شهری را فراهم می‌سازد (۱۴، ۴۰). بدین ترتیب، داده‌های کمی از طریق پیمایش پرسشنامه‌ای و داده‌های کیفی از طریق مصاحبه، مشاهده و تحلیل اسناد گردآوری شد تا ایرادات هر کدام از دو روش فوق از طریق روش دیگر تحت پوشش قرار گیرد، چنین رویکردی با هدف افزایش اعتبار درونی و مثلث‌سازی داده‌ها<sup>۲</sup> انتخاب گردید (۴۱).

## ۷-۱. تکنیک‌های گردآوری داده

داده‌های پژوهش از طریق چهار روش مکمل گردآوری شد. نخست، پرسشنامه ساخت‌یافته مبتنی بر طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت میان

کمبود فضاهای باز کیفیت سکونت را کاهش داده است. در مقابل، سهم بسیار بالای کاربری تجاری-به‌ویژه در ارتباط با بازار میل-میدان را به گره اقتصادی منطقه‌ای تبدیل کرده و فشار شدیدی بر ترافیک، پارکینگ و زیرساخت‌ها وارد کرده است. در کنار این موارد، کمبود شدید خدمات آموزشی، فرهنگی، ورزشی و فضاهای عمومی، وابستگی ساکنان به مراکز بیرونی را افزایش داده و بر نارضایتی و ناکارآمدی محیطی افزوده است.

از سوی دیگر، کاربری‌های مذهبی مانند مسجد الغدیر نقش اجتماعی و فرهنگی قابل توجهی دارند، اما محیط پیرامونی آن‌ها نیازمند بهسازی است. برخی کاربری‌های اداری، صنعتی و انبارداری که در مجاورت بافت مسکونی قرار گرفته‌اند، موجب تعارض کالبدی و اختلال در عملکرد محله شده‌اند. بحرانی‌ترین وضعیت به پارکینگ اختصاص دارد که سرانه بسیار ناچیز آن باعث اشغال معابر و کاهش امنیت پیاده‌روها شده است. همچنین وجود زمین‌های رهاشده و کاربری‌های بلااستفاده، پتانسیل مهمی برای بازآفرینی و تأمین خدمات کمبوددار ایجاد می‌کند. بنابراین، در چارچوب طرح ارتقاء کیفی میدان الغدیر، بازتوزیع کاربری‌ها، افزایش فضاهای سبز و خدمات عمومی، تقویت زیرساخت‌های آموزشی و فرهنگی و ساماندهی فعالیت‌های تجاری و ترافیکی از ضروریات اصلی برای بازگرداندن تعادل فضایی و ارتقای کیفیت زندگی در این محدوده است.

## ۶. چارچوب مفهومی پژوهش

با توجه به مبانی نظری مطرح‌شده، چارچوب مفهومی پژوهش

1. operationalizing  
2. Triangulation

ادبیات نظری و پیشینه پژوهش، مصاحبه با مدیران و کارشناسان شهرداری منطقه ۲۰ تهران، مطلعان طرح و همچنین ساکنان و کسبه میدان الغدیر، مهم‌ترین ذی‌نفعان طرح را می‌توان به قرار زیر دسته‌بندی نمود. (جدول ۷)

جدول ۷. متأثران اقدام مداخله‌ای ماخذ: نگارندگان

ردیف	ذی‌نفعان	منابع
۱	ساکنان	ادبیات و پیشینه پژوهش، مجریان طرح، مدیران، کارشناسان، کسبه و مطلعین محلی
۲	کسبه	ادبیات و پیشینه پژوهش، مجریان طرح، مدیران، کارشناسان و ساکنان
۳	رهگذران	ادبیات و پیشینه پژوهش، مجریان طرح، مدیران و کارشناسان
۴	صاحبان املاک مسکونی و تجاری	ادبیات و پیشینه پژوهش، مجریان طرح، مدیران، کارشناسان و مجریان طرح
۵	کارمندان	ادبیات و پیشینه پژوهش، مدیران و کارشناسان
۶	رانندگان (تاکسی، اتوبوس، عبوری)	کسبه، ساکنان و مجریان طرح
۷	مشاغل	ادبیات و پیشینه پژوهش
۸	راهنمایی و رانندگی	ادبیات و پیشینه پژوهش، مدیران و کارشناسان
۹	پیمانکار و مشاور طرح	ادبیات و پیشینه پژوهش، مدیران و کارشناسان
۱۰	شهرداری (شهرداری تهران، شهرداری منطقه ۱۸ و معاونت‌های تابعه، شهرداری ناحیه ۲)	ادبیات و پیشینه پژوهش، مدیران و کارشناسان، مجریان طرح و مجریان طرح

### ۷-۵. متغیرها و شاخص‌های تحت تأثیر طرح

متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش علاوه بر مدل مفهومی، با بهره‌گیری از منابعی چون مطالعات اسنادی، پژوهش‌های پیشین، ادبیات نظری، و نظرات کارشناسان و مدیران شهری استخراج و در جدول زیر ارائه شده‌اند. (جدول ۸)

سه گروه اصلی شامل ساکنان، کسبه و مراجعان عمومی میدان الغدیر توزیع گردید. این پرسشنامه چهار بعد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی-زیست‌محیطی را دربر می‌گرفت. دوم، تحلیل اسنادی شامل بررسی طرح‌های ساماندهی، گزارش‌های رسمی، مطالعات تاریخی و نقشه‌های شهری به‌عنوان منبع داده‌های تکمیلی انجام شد. ابزارهای مورد استفاده در این فرآیند شامل پرسشنامه، چک‌لیست مشاهده و فرم تحلیل اسناد بود. تحلیل داده‌ها در سه سطح انجام گرفت: سطح فردی (بر اساس پاسخ‌های ساکنان، شاغلان و مراجعان)، سطح فضا (میدان الغدیر به‌عنوان بستر کالبدی-اجتماعی)، و سطح محله‌ای (محلات یافت‌آباد شمالی، تولیددارو، صادقیه جنوبی، سعیدآباد و شهرک ولی عصر (عج)) با هدف مقایسه تفاوت‌های زمینه‌ای.

### ۷-۲. جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری شامل همه افرادی است که به‌نوعی از میدان الغدیر استفاده می‌کنند یا در مجاورت آن سکونت یا فعالیت دارند. سه گروه اصلی شامل ساکنان محلات اطراف میدان، کسبه و شاغلان محدوده میدان و مراجعان عمومی (شهروندان رهگذر) در نظر گرفته شدند.

در بخش کمی، با استفاده از فرمول کوکران و با سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای ۰/۰۶، حجم نمونه ۱۰۷ نفر تعیین شد. توزیع نمونه به‌صورت طبقه‌ای نسبی میان سه گروه هدف به شرح زیر بود: ۵۳ نفر ساکن، ۲۱ نفر کسبه و شاغل، و ۲۴ نفر مراجعان عمومی. این روش برای پوشش متوازن گروه‌های ذی‌نفع و افزایش قابلیت مقایسه داده‌ها انتخاب شد. (جدول ۶)

جدول ۶. تعداد پاسخگویان مورد مطالعه ماخذ: نگارندگان

ردیف	گروه	تعداد
۱	ساکنان	۵۳
۲	کسبه	۲۱
۳	مراجعان عمومی (رهگذران)	۲۴
	کل	۱۰۷

### ۷-۳. اعتبار و روایی ابزارها

روایی محتوایی پرسشنامه از طریق نظر خبرگان جامعه‌شناسی شهری و برنامه‌ریزی شهری مورد تأیید قرار گرفت. پایایی ابزار با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که مقدار ۰/۸۰ به دست آمد و نشان‌دهنده پایایی مناسب ابزار بود.

### ۷-۴. متأثران اقدام

ذی‌نفعان طرح افراد و سازمان‌هایی هستند که به‌صورت فعال درگیر طرح می‌شوند و یا ممکن است منافع آنها تحت تأثیر اجرا یا تکمیل طرح قرار گیرد. براساس داده‌ها گردآوری شده از بررسی

## جدول ۸. متغیرها و شاخص‌های تحت تأثیر طرح ماخذ نگارندگان

حوزه اجتماعی	حوزه فرهنگی	حوزه کالبدی - زیست محیطی
ارتباطات اجتماعی	ظهور الگوی جدید رفتاری	ترافیک
سلامت (جسمی و روانی)	هویت فرهنگی	محیط زیست
امنیت اجتماعی	توسعه گردشگری	سیما و منظر
حس دلبستگی	فرهنگ پذیری	دسترسی
اعتماد اجتماعی		ایمنی
الگوی فراغت		
حیات شبانه		
نشاط اجتماعی		
مشارکت اجتماعی		
هویت‌یابی و خاطره جمعی		

## ۸. یافته‌های پژوهش

## ۸-۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان

یافته‌های توصیفی پژوهش نشان می‌دهد که ترکیب جمعیت‌شناختی سه گروه اصلی (ساکنان، کسبه و استفاده‌کنندگان از فضا) دارای ویژگی‌های متنوع اما نسبتاً متوازن است. در خصوص جنسیت، ۵۷.۹ درصد از پاسخ‌دهندگان مرد و ۴۱.۱ درصد زن بودند. یک نفر نیز جنسیت خود را مشخص نکرد. این توزیع نشان‌دهنده نسبت غالب مردان در نمونه است. از نظر وضعیت تأهل، اکثریت پاسخ‌دهندگان (۶۴.۵ درصد) متأهل و ۳۵.۵ درصد دیگر مجرد بودند. این نتایج نشان‌دهنده ترکیب جمعیتی قابل توجهی از افراد متأهل در نمونه است. در رابطه با تحصیلات، بیشترین تعداد پاسخ‌دهندگان (۴۲.۱ درصد) دارای تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم بودند. ۳۴.۶ درصد نیز زیر دیپلم بودند، ۱۸.۷ درصد دارای مدرک لیسانس و ۴.۷ درصد فوق لیسانس داشتند. این توزیع نشان می‌دهد که اکثریت پاسخ‌دهندگان دارای تحصیلات متوسطه و دیپلم هستند. در نهایت، سن پاسخ‌دهندگان در محدوده‌های مختلف متنوع بود. گروه سنی ۳۵ تا ۳۹ سال با ۱۸.۷ درصد بیشترین فراوانی را داشت. گروه‌های سنی ۲۵ تا ۲۹ سال و ۳۰ تا ۳۴ سال به ترتیب با ۱۳.۱ و ۱۲.۱ درصد در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. سنین بالای ۵۰ سال نیز ۱۵ درصد از نمونه را تشکیل دادند. این توزیع نشان‌دهنده حضور نسبی جمعیت‌های مختلف سنی در نمونه است، با بیشترین تعداد در گروه‌های سنی میان‌سال.

## ۹. تحلیل یافته‌های کمی حاصل از پرسشنامه

نتایج حاصل از پرسشنامه نشان‌دهنده دیدگاه‌های مختلف شهروندان نسبت به تغییرات ایجاد شده در میدان هستند. در خصوص تقویت روابط همسایگی و تعاملات میان ساکنان، کسبه و رهگذران، ۵۳ درصد از پاسخ‌دهندگان موافق یا کاملاً موافق با این مسأله بودند. در حالی که ۵۰ درصد دیگر با مخالف بودند یا نظری نداشتند. در مورد افزایش احساس امنیت اجتماعی، تنها ۳۴.۶ درصد از افراد احساس افزایش امنیت را تأیید کردند، در حالی که ۵۹.۴ درصد مخالف یا کاملاً مخالف بودند. همین روند در مورد افزایش اعتماد اجتماعی نیز مشاهده شد، جایی که ۵۵.۱ درصد از پاسخ‌دهندگان مخالف بودند و تنها ۱۰.۳ درصد موافق بودند. در مورد امکان مشارکت اجتماعی، بیش از ۷۳ درصد از پاسخ‌دهندگان به افزایش مشارکت اجتماعی به‌ویژه از طریق میدان جدید، مخالف بودند. همچنین، ۶۵.۴ درصد معتقد بودند که میدان به فضایی برای برگزاری برنامه‌ها و رویدادهای فرهنگی تبدیل نشده است، و ۴۸.۶ درصد نیز تغییرات میدان را منجر به افزایش احساس تعلق و هویت محلی نمی‌دانستند.

در زمینه بهبود منظر شهری، ۵۰ درصد از افراد با بهبود چهره و منظر میدان موافق بودند، ولی ۴۳.۹ درصد نسبت به این تغییرات مخالف بودند. وضعیت ترافیک و عبور و مرور نسبت به گذشته نیز در دیدگاه اکثر پاسخ‌دهندگان بهبود یافته بود، چرا که ۵۸ درصد از آن حمایت کردند، در حالی که ۳۶.۴ درصد دیدگاهی مخالف داشتند. در نهایت، در خصوص نگهداری فضای سبز و پاکیزگی میدان، ۶۹.۲ درصد از پاسخ‌دهندگان مخالف بودند و تنها ۲۲.۴ درصد به بهبود این مسائل اذعان داشتند.

این تحلیل نشان می‌دهد که در مجموع، تغییرات میدان در جنبه‌های مختلف، به‌ویژه در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی، با استقبال چندانی از سوی ساکنان و استفاده‌کنندگان مواجه نشده است و نیاز به بازنگری و بهبود در برخی حوزه‌ها به‌ویژه در خدمات عمومی، فضای سبز و پاکیزگی احساس می‌شود.

نتایج ماتریس آثار و پیامدهای مداخله نشان می‌دهد که طرح ساماندهی میدان الغدیر بیشترین اثربخشی را در بهبود کالبدی و ارتقای منظر شهری داشته است. ارتقای کیفیت بصری، افزایش نظم فضایی و بهبود نسبی احساس امنیت از جمله دستاوردهایی هستند که در دامنه مداخله و با شدت متوسط تا زیاد ثبت شده‌اند. با این حال، ارزیابی‌ها بیانگر آن است که در ابعاد اجتماعی و فرهنگی اثرات منفی نسبتاً قابل توجهی بروز یافته است. کاهش تعاملات همسایگی، افت مشارکت اجتماعی و تضعیف روابط سنتی میان کسبه و ساکنان نشان می‌دهد که طرح توانسته است نقش تاریخی میدان به عنوان بستری برای ارتباطات اجتماعی و تعاملات روزمره را احیا کند. افزون بر این، هرچند جلوه‌های مذهبی و

افراد در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، و کالبدی است. در بعد اجتماعی، میانگین ارزیابی ۳/۷ نشان می‌دهد که وضعیت اجتماعی به طور کلی در سطح متوسطی ارزیابی شده است، در حالی که در بعد فرهنگی، با میانگین ۱۰/۹۶، ارزیابی‌ها به سمت وضعیت بهتری گرایش دارند. بعد کالبدی نیز با میانگین ۷/۳۶ نشان‌دهنده وضعیت نسبتاً میانه‌ای است. علاوه بر این، تغییرات اجتماعی، فرهنگی و کالبدی در میدان الغدیر با میانگین ۹/۸۱ و انحراف معیار بالا (۲/۸۵) حاکی از تفاوت‌های گسترده در نظرات افراد است. به طور کلی، پراکندگی زیاد نمرات در هر بعد، نشان‌دهنده وجود تفاوت‌های چشمگیر در ارزیابی‌ها و احساسات افراد در مورد این ابعاد مختلف است. (جدول ۱۰)

### ۸-۳. آمار استنباطی

به منظور سنجش میزان تأثیر هر یک از متغیرهای اجتماعی، فرهنگی و کالبدی بر ساماندهی میدان الغدیر از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شده که تشریح آن در ادامه آورده شده است. (جدول ۱۱)

در این مدل، متغیر وابسته «میزان موفقیت طرح ساماندهی میدان الغدیر» است که بر اساس ارزیابی کلی پاسخ‌دهندگان از کیفیت میدان پس از اجرای طرح محاسبه شده است. متغیرهای مستقل شامل سه بعد اصلی اجتماعی، فرهنگی و کالبدی-زیست‌محیطی هستند که هر کدام از میانگین گویه‌های مربوط به آن بعد به‌دست آمده‌اند. هدف

برخی عناصر نمادین میدان تقویت شده‌اند، اما فرصت‌های بروز فرهنگ بومی، آیین‌های محلی و حس خاطره‌انگیزی فضا کاهش یافته است. این روند حاکی از آن است که تمرکز طرح بیشتر بر اصلاح کالبدی و زیبایی‌شناختی بوده تا بر تداوم فرهنگی و حیات اجتماعی میدان. (جدول ۹)

در بعد کالبدی-زیست‌محیطی نیز هرچند بهبود منظر شهری، ساماندهی فضاهای باز و ارتقای برخی مسیرهای عبور از نقاط قوت ارزیابی شده‌اند، اما مشکلاتی مانند ترافیک، کمبود فضاهای پیاده‌محور و محدودیت توقف خودرو همچنان پابرجاست. در بُعد ادراک مکانی و هویت محلی، افزایش آگاهی شهروندان از جایگاه میدان در ساختار شهری از پیامدهای مثبت است، اما کاهش حس تعلق به‌ویژه در میان نسل جدید و مراجعان غیربومی، بیانگر تضعیف پیوند هویتی با فضا است. به‌طور کلی، نتایج نشان می‌دهد که طرح ساماندهی در بهبود کالبدی موفق عمل کرده، اما در تحقق بویایی اجتماعی، تداوم فرهنگی و بازتولید هویت محلی با کاستی‌های جدی مواجه بوده است. استمرار اثر بخشی طرح در گرو اتخاذ رویکردی انسان‌محور، مشارکتی و حساس به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی است تا ابعاد نرم فضا نیز هم‌پای مداخلات کالبدی ارتقا یابد.

### ۸-۲. آمار توصیفی

نتایج جدول نشان‌دهنده تفاوت‌های قابل توجه در ارزیابی‌های

جدول ۹. ماتریس تأثیرات اقدام توسعه‌ای ماخذ نگارندگان

بُعد اثر	پیامد	کیفیت	دامنه	شدت	مدت
اجتماعی	کاهش تعاملات همسایگی و مشارکت اجتماعی	منفی	مداخله	زیاد	میان‌مدت
	تضعیف روابط سنتی میان کسبه و ساکنان	منفی	مداخله	متوسط	میان‌مدت
	افزایش نسبی امنیت و حضور شهروندان در ساعات روز	مثبت	مداخله	متوسط	میان‌مدت
فرهنگی	کاهش فرصت‌های بروز فرهنگ بومی و آیین‌های محلی	منفی	محلی	زیاد	میان‌مدت
	کاهش حس خاطره‌انگیزی فضا	منفی	مداخله	زیاد	میان‌مدت
	تقویت جلوه‌های مذهبی و تاریخی میدان	مثبت	مداخله	متوسط	میان‌مدت
کالبدی-زیست‌محیطی	بهبود نسبی تصویر نمادین الغدیر	مثبت	مداخله	متوسط	میان‌مدت
	تداوم مشکلات ترافیکی و کمبود فضا برای پیاده‌روی و توقف	منفی	محلی	زیاد	کوتاه‌مدت
	بهبود کیفیت منظر شهری و ارتقای زیبایی بصری	مثبت	مداخله	زیاد	میان‌مدت
ادراک مکانی و هویتی	ارتقای نظم فضایی میدان	مثبت	مداخله	متوسط	میان‌مدت
	ساماندهی مسیرهای عبور و فضاهای باز	مثبت	مداخله	متوسط	میان‌مدت
	عدم احساس تعلق در میان نسل جدید و مراجعان غیربومی	منفی	مداخله	متوسط	میان‌مدت
	افزایش آگاهی شهروندان از اهمیت میدان در ساختار شهری	مثبت	مداخله	متوسط	بلندمدت

تطابق خوب مدل با داده‌ها و توانایی آن در تبیین موفقیت طرح ساماندهی میدان الغدير است. (جدول ۱۲)

آزمون آنالیز واریانس نیز نشان داد مدل رگرسیون معنی‌دار است و ترکیب متغیرهای مستقل به طور قابل توجهی واریانس متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. به عبارت دیگر، این متغیرها به طور همزمان پیش‌بینی‌کننده قابل اطمینانی برای وابسته هستند. (جدول ۱۳)

بررسی ضرایب رگرسیونی نشان می‌دهد که هر سه متغیر مستقل در مدل، رابطه‌ای مثبت و معنادار با ارزیابی کلی از تغییرات میدان احساس تعلق و هویت محلی دارند ( $p < 0.001$ ). با این حال، میزان تأثیر هر بُعد متفاوت است. بعد فرهنگی با ضریب بتای استاندارد ۰/۸۹۸ بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته دارد؛ بدین معنا که تغییرات فرهنگی مانند تقویت هویت محلی، احساس تعلق فرهنگی و ارتقای ارزش‌های بومی بیش از سایر ابعاد در شکل‌گیری ادراک مثبت از موفقیت طرح تأثیرگذار بوده

از اجرای رگرسیون چندگانه، تعیین میزان و جهت تأثیر این سه بعد بر ادراک کلی از ساماندهی میدان بوده است.

با توجه به ضریب تعیین  $R^2 = 0.806R^2 = 0.806$  می‌توان گفت که حدود ۸۰/۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته (میزان موفقیت طرح ساماندهی میدان الغدير) توسط مدل رگرسیونی توضیح داده می‌شود، که نشان‌دهنده قدرت خوب مدل در تبیین موفقیت طرح است. همچنین، مقدار ضریب تعیین تعدیل‌شده موفقیت طرح است. همچنین، مقدار ضریب تعیین تعدیل‌شده موفقیت طرح است. ( $Adj. R^2 = 0.805R^2 = 0.805$ ) نشان می‌دهد که مدل با در نظر گرفتن تعداد متغیرهای مستقل، همچنان توانایی بالایی در تبیین تغییرات دارد. مقدار استاندارد خطای تخمین (SEE) برابر با ۰/۵۳۰۱۸ است که نشان‌دهنده میزان خطای پیش‌بینی مدل می‌باشد. علاوه بر این، مقدار آماره دوربین-واتسون ۲/۱۰۱ نشان‌دهنده عدم خودهمبستگی خطاها است که به اعتبار و پایایی مدل رگرسیونی اشاره دارد. به طور کلی، این نتایج نشان‌دهنده

جدول ۱۰. میانگین متغیرهای تحقیق ماخذ نگارندگان

متغیر	شاخص	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
متغیر مستقل	اجتماعی	۱۰۷	۱/۰۰	۵/۰۰	۳/۷۰۰۹	۱/۱۹۹۱۷
	فرهنگی	۱۰۷	۴/۰۰	۱۵/۰۰	۱۰/۹۶۲۶	۲/۸۱۱۴۵
	کالبدی	۱۰۷	۲/۰۰	۱۰/۰۰	۷/۳۶۴۵	۲/۲۸۳۶۳
متغیر وابسته	تغییرات اجتماعی، فرهنگی و کالبدی میدان الغدير	۱۰۷	۴/۰۰	۱۵/۰۰	۹/۸۱۳۱	۲/۸۵۲۱۱

جدول ۱۱. خلاصه مدل رگرسیونی ماخذ نگارندگان

متغیر	R	R <sup>2</sup>	Adj. R <sup>2</sup>	SEE	Durbin-Watson
میزان موفقیت طرح ساماندهی میدان الغدير	۰/۸۹۸	۰/۸۰۶	۰/۸۰۵	۰/۵۳۰۱۸	۲/۱۰۱

جدول ۱۲. تحلیل واریانس مدل رگرسیونی ماخذ نگارندگان

منبع	SS	df	MF	F	p
رگرسیون	۱۲۲/۹۱۵	۱	۱۲۲/۹۱۵	۴۳۷/۲۷۰	۰/۰۰۰
خطای باقی‌مانده	۲۹/۵۱۵	۱۰۵	۰/۲۸۱		
کل	۱۵۲/۴۳۰	۱۰۶			

جدول ۱۳. ضرایب رگرسیون و شاخص‌های کولینبرتی ماخذ نگارندگان

متغیر	B	SE B	β	t	p	Tolerance	VIF
Constant	۰/۲۲۸	۰/۱۷۴	-	۱/۳۱۳	۰/۱۹۲	-	-
اجتماعی	۰/۴۷۲	۰/۰۲۳	۰/۸۹۸	۲۰/۹۱۱	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰
فرهنگی	-۰/۰۸۰	۰/۰۵۹	-۰/۱۳۲	-۱/۳۶۱	۰/۱۷۶	۰/۵۳۰	۱/۸۸۶
کالبدی	۰/۰۰۹	۰/۰۴۵	۰/۰۲۰	۰/۲۰۳	۰/۸۴۰	۰/۹۷۳	۱/۰۲۸

نیست. طرح ساماندهی بهبودهایی در ظاهر و نظم کالبدی به وجود آورده، اما عدم استمرار در فعالیت‌های فرهنگی و ضعف در برنامه‌ریزی نرم‌افزاری باعث می‌شود میدان بیشتر کارکردی روزمره و محدود داشته باشد. از نظر اقتصادی، شرایط متعادل است؛ برخی کسبه از بهبود فروش بهره‌مند می‌شوند، در حالی که دیگران از کاهش مشتریان شکایت دارند. این سناریو نمایانگر آینده‌ای است که در آن میدان به فضایی نسبتاً پایدار تبدیل می‌شود، اما برای دستیابی به پویایی کامل، نیازمند سیاست‌های فرهنگی و مدیریتی قوی‌تری است.

#### ۸-۴-۴. نظام جبران و تعدیل

یکی از ارکان اصلی در مطالعات ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی (اتاف)، مرحله‌ی جبران و تعدیل است که هدف آن نه‌تنها شناسایی پیامدهای منفی مداخله، بلکه طراحی سازوکارهایی برای اصلاح، جبران و ارتقای پیامدهای مثبت است. در مورد میدان الغدير، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با وجود دستاوردهای کالبدی و فنی طرح، برخی آثار اجتماعی و فرهنگی آن نیاز به توجه و بازنگری بیشتری دارند. از این رو، تدوین یک نظام جبران و تعدیل جامع می‌تواند ضمن کاهش نارضایتی‌های محلی، زمینه‌ساز پایداری اجتماعی و فرهنگی میدان گردد.

در محور اجتماعی، پیشنهاد می‌شود که «کانون مشارکت محلی میدان الغدير» با حضور نمایندگان ساکنان، کسبه و مدیریت شهری تشکیل شود تا فرآیند تصمیم‌گیری در زمینه نگهداشت، برنامه‌های فرهنگی و تغییرات آینده میدان به‌طور مشارکتی انجام گیرد. برگزاری برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی نظیر جشن‌های محلی، نمایشگاه‌های خیابانی و روایتگری تاریخی می‌تواند به بازسازی اعتماد عمومی و تقویت حس تعلق اجتماعی کمک کند.

در محور فرهنگی، بازطراحی برخی از عناصر میدان با تأکید بر نشانه‌های بومی و مذهبی و استفاده از المان‌های تاریخی مرتبط با گذشته الغدير، راهی برای احیای هویت فرهنگی و بازگرداندن روح تاریخی میدان خواهد بود. همچنین، تدوین دستورالعمل‌هایی برای طراحی فرهنگی میدانی تاریخی تهران ضروری است تا از تکرار مداخلات فاقد زمینه فرهنگی و بی‌تناسب با تاریخ منطقه جلوگیری شود.

در محور کالبدی-فضایی، تعدیل طرح به‌منظور افزایش دسترس‌پذیری گروه‌های خاص نظیر زنان، سالمندان و معلولان ضروری است. بازنگری در نحوه ساماندهی دستفروشان و استفاده از الگوی «ساماندهی مشارکتی» برای بازارچه‌های کوچک محلی می‌تواند علاوه بر کاهش فشار اقتصادی بر گروه‌های کم‌درآمد، به پویایی اجتماعی میدان افزوده و از مشکلات اقتصادی در سطح محله بکاهد.

این نظام جبران و تعدیل، با در نظر گرفتن نیازهای مختلف

است. پس از آن، بعد اجتماعی با  $\beta = -0.132$  در مرتبه دوم قرار دارد، که گرچه اثر منفی و معناداری ندارد، اما نشان‌دهنده تأثیر کمتر احساس امنیت، اعتماد اجتماعی و مشارکت همسایگی در ارزیابی موفقیت طرح است. همچنین، بعد کالبدی با  $\beta = 0.020$  اثر مثبت و ضعیفی دارد که حاکی از این است که تغییرات کالبدی و زیست‌محیطی اگرچه تأثیر مثبت دارند، اما نسبت به ابعاد اجتماعی و فرهنگی تأثیر کمتری بر ارزیابی کلی دارند. به‌طور کلی، نتایج رگرسیون چندگانه تأیید می‌کند که درک شهروندان از موفقیت طرح ساماندهی میدان الغدير بیش از همه تحت تأثیر ابعاد فرهنگی و اجتماعی است، در حالی که اصلاحات کالبدی به‌تنهایی قادر به ایجاد تأثیر قابل توجهی نیستند. این یافته نشان می‌دهد که پایداری و موفقیت طرح در گرو تقویت مؤلفه‌های نرم توسعه شهری مانند هویت فرهنگی، تعامل اجتماعی و مشارکت محلی است، همراه با بهبودهای کالبدی که نقشی تکمیلی دارند.

#### ۸-۴. سناریوهای سه‌گانه

##### ۸-۴-۱. سناریوی خوش‌بینانه

در سناریوی خوش‌بینانه، مدیریت شهری با رویکردی اجتماع‌محور و مشارکت فعال شهروندان، میدان الغدير را به مرکز فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی تبدیل می‌کند. با تقویت روابط اجتماعی و هویت محلی، میدان به فضایی زنده و پویا بدل می‌شود که در آن خانواده‌ها و زنان حضور فعال دارند. فضاهای سبز، امنیت، و بهبود کیفیت زیست‌محیطی باعث ارتقای تجربه حضور در میدان می‌شود. به‌علاوه، رونق اقتصادی با جذب گردشگران و افزایش تقاضا برای کالاهای محلی رشد می‌کند، که در نهایت میدان به نماد همزیستی اجتماعی و فرهنگی تبدیل می‌شود و پایداری اجتماعی و نشاط شهری را به ارمغان می‌آورد.

##### ۸-۴-۲. سناریوی بدبینانه

در سناریوی بدبینانه، پس از اجرای طرح کالبدی، میدان الغدير به دلیل عدم نگهداری مناسب و عدم حضور فعال اجتماعی به فضایی بی‌روح و فاقد کارکرد اجتماعی تبدیل می‌شود. نبود برنامه‌های فرهنگی و ضعف در نظافت، روشنایی و امنیت موجب می‌شود میدان از یک فضای عمومی به محیطی عبوری بدل شود و روابط همسایگی و پیوندهای محلی تضعیف گردد. از نظر اقتصادی، رکود بازار و تعطیلی واحدهای تجاری موجب کاهش رونق اقتصادی و بی‌ثباتی می‌شود. در نهایت، میدان به نمادی از شکست طرح‌های نوسازی شهری تبدیل شده و بازگرداندن حیات اجتماعی به آن نیازمند مداخله‌ای پرهزینه خواهد بود.

##### ۸-۴-۳. سناریوی واقع‌بینانه

در سناریوی واقع‌بینانه، میدان الغدير تا حدی در ایفای نقش اجتماعی و فرهنگی خود موفق است، اما پویایی آن کامل و پایدار

زیرساخت‌های مورد نیاز برای گروه‌های مختلف (مانند افراد با نیازهای ویژه و سالمندان) نیز پرداخته شود.

در ابعاد اجتماعی، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که طرح ساماندهی میدان الغدير تأثیرات متفاوتی بر تعاملات اجتماعی و مشارکت شهروندی داشته است. همان‌طور که نظریه‌های اجتماعی چون نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام (۲۰۰۰) [۲۹] و اصول ارزیابی تأثیرات اجتماعی ون کلی (۲۰۰۳) [۱۴] تأکید دارند، پروژه‌های شهری باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که نه تنها بر بهبود کالبد فضا تمرکز کنند، بلکه بسترهای مناسبی برای تقویت روابط اجتماعی و مشارکت فعال شهروندان ایجاد نمایند. در میدان الغدير، با وجود برخی بهبودهای جزئی در افزایش امنیت و حضور شهروندان در ساعات روز، بسیاری از ساکنان و کسبه از کاهش تعاملات همسایگی، تضعیف روابط سنتی و ضعف در مشارکت اجتماعی ابراز نارضایتی کرده‌اند.

در این زمینه، نتایج بررسی‌های اجتماعی نشان می‌دهد که طرح نتوانسته است به‌طور مؤثر به تقویت سرمایه اجتماعی و روابط همسایگی بپردازد. حضور مردم در فضای میدان بیشتر جنبه عبوری پیدا کرده و فضا به‌جای تبدیل شدن به مکانی برای تبادل اجتماعی، بیشتر به محلی برای عبور و مرور تبدیل شده است. این مسأله با توجه به نظریات پاتنام (۲۰۰۰) [۲۹] که فضاهای عمومی را بستر شکل‌گیری اعتماد و همبستگی اجتماعی می‌داند، نیازمند مداخلات بیشتر در خصوص طراحی فضا به‌گونه‌ای است که به تعاملات اجتماعی و مشارکت محلی کمک کند.

نظریه‌های مرتبط با میدان شهری، مانند آرنست (۱۹۵۸) و هابرماس (۱۹۸۹) [۵، ۳۲] که میدان شهری را به‌عنوان فضایی برای کنش جمعی و گفت‌وگو معرفی می‌کنند، به وضوح نشان می‌دهند که هرگونه مداخله کالبدی باید با فرآیندهای اجتماعی و فرهنگی همسو باشد تا بتواند به تقویت حس تعلق و همبستگی اجتماعی در میان شهروندان کمک کند. در میدان الغدير، اگرچه برخی فضاهای عمومی بهبود یافته‌اند، اما نبود برنامه‌های منسجم برای ایجاد فرصت‌های تعامل اجتماعی و مشارکت شهروندان، باعث شده است که این میدان همچنان نتواند به‌طور کامل کارکرد اجتماعی خود را بازیابد.

در بعد فرهنگی، طرح ساماندهی میدان الغدير نتوانسته است برخی از جلوه‌های مذهبی و نمادین این میدان را تقویت کند، اما هنوز چالش‌هایی در زمینه بازآفرینی هویت محلی و فرهنگی این فضا وجود دارد. میدان الغدير با داشتن یک پیشینه مذهبی و فرهنگی غنی، باید به‌گونه‌ای طراحی شود که این هویت در طرح‌های جدید حفظ و تقویت شود. در این راستا، نظریه‌های رلف (۱۹۷۶) و توان (۱۹۷۷) [۱۲، ۱۳] در خصوص «حس مکان» و «تعلق مکانی» به وضوح نشان می‌دهند که تغییرات کالبدی

اجتماعی، فرهنگی و کالبدی، می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی در میدان الغدير کمک کرده و پایداری آن را در بلندمدت تضمین نماید.

## ۹. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

طرح ساماندهی میدان الغدير در محله یافت‌آباد جنوبی تهران، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پروژه‌های مدیریت شهری با هدف بهبود کیفیت محیطی، اجتماعی و فرهنگی، تأثیرات گسترده‌ای بر ابعاد مختلف این فضا داشته است. میدان الغدير با جایگاه خاص خود در منطقه، نه تنها به‌عنوان یک فضای عمومی برای تعاملات اجتماعی و اقتصادی، بلکه به‌واسطه موقعیت مکانی‌اش در ارتباط با شبکه‌های حمل‌ونقل شهری و بازار میل یافت‌آباد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این میدان علاوه بر کارکردهای تجاری و مذهبی، به‌عنوان یک کانون فرهنگی و اجتماعی محله ایفای نقش می‌کند. اجرای طرح ساماندهی با توجه به چالش‌هایی که این میدان در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و زیست‌محیطی با آن روبه‌رو بود، توانست در بسیاری از زمینه‌ها تغییرات مثبتی ایجاد کند، اما در برخی جنبه‌ها، به‌ویژه در بعد اجتماعی و فرهنگی، چالش‌هایی باقی‌مانده است که نیازمند توجه بیشتر در فازهای بعدی پروژه است.

در بخش کالبدی، طرح ساماندهی میدان الغدير نتوانست تغییرات قابل‌توجهی در فضای فیزیکی این میدان ایجاد کند. بر اساس نظریات جین جیکوبز (۱۹۶۱) [۲] و یان گهل (۲۰۱۳) [۶] درباره اهمیت طراحی فضاهای عمومی برای تقویت سرزندگی اجتماعی و حضور مردم، اصلاحات در میدان الغدير در زمینه‌های مختلفی چون نورپردازی، بهبود مبلمان شهری، افزایش فضای سبز و ارتقاء دسترسی پیاده‌محور منجر به ارتقای کیفیت بصری و ساختاری میدان شده است. میدان الغدير اکنون فضایی منظم‌تر، زیباتر و ایمن‌تر است که در آن شهروندان احساس راحتی بیشتری دارند و امکان عبور و مرور به‌طور موثرتری فراهم شده است. این تغییرات به‌ویژه برای استفاده‌کنندگان از میدان، چه ساکنان، چه کسبه و چه رهگذران، رضایت‌بخش بوده است. این یافته با دیدگاه‌های جین جیکوبز و یان گهل هم‌راستا است که بر ضرورت طراحی فضاهای عمومی به‌منظور ارتقای حضور مستمر و فعال شهروندان تأکید دارند.

با این حال، همچنان برخی مشکلات کالبدی مانند ترافیک سنگین، کمبود فضای توقف برای خودروها و فشار بر زیرساخت‌های ترافیکی در اطراف میدان وجود دارند که به‌ویژه در ساعات اوج ترافیک موجب اختلال در کارکرد میدان می‌شود. این مشکلات نیازمند توجه بیشتر در اصلاحات آینده هستند. به‌طور کلی، این بخش از پروژه اگرچه موفقیت‌هایی در بهبود منظر شهری و ارتقای فضای عمومی به همراه داشته، اما برای رسیدن به یک کیفیت فضایی ایده‌آل، باید به مسائل ترافیکی و

جامع و مشارکتی است که بتواند ضمن ارتقاء کیفیت محیطی، به تقویت هویت محلی، مشارکت اجتماعی و پایداری فرهنگی نیز بپردازد. این پروژه باید از یک طراحی صرف کالبدی فراتر رفته و در راستای یک رویکرد انسانی و اجتماعی، میدان را به فضایی پویا و زنده تبدیل کند که در آن تمامی گروه‌های اجتماعی و فرهنگی احساس تعلق و امنیت کنند.

### ۱۰. راهبردها و پیشنهادها

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از طرح ساماندهی میدان الغدير، پیشنهاد می‌شود که در فازهای آینده پروژه، توجه بیشتری به فرآیندهای مشارکتی و اجتماعی داشته باشیم. ایجاد سازوکارهای مشارکتی با حضور فعال ساکنان، کسبه و سایر ذی‌نفعان، نظیر تشکیل کارگروه‌های محلی و برگزاری جلسات مشورتی، می‌تواند موجب افزایش رضایت عمومی و بهبود تصمیم‌گیری‌ها در راستای نیازهای واقعی جامعه محلی شود. همچنین، برگزاری نظرسنجی‌های دوره‌ای و تحلیل بازخوردها به‌منظور بهبود مستمر طرح از اهمیت بالایی برخوردار است.

در بعد فرهنگی، لازم است که علاوه بر ارتقاء جنبه‌های کالبدی میدان، به تقویت هویت فرهنگی و مذهبی آن توجه بیشتری شود. بازطراحی برخی از عناصر میدان با استفاده از نشانه‌های بومی و مذهبی، و همچنین برگزاری رویدادهای فرهنگی و آیینی محلی، می‌تواند به بازسازی حافظه جمعی و تقویت حس تعلق اجتماعی کمک کند. از سوی دیگر، بهبود فضاهای سبز و ایجاد محیط‌های مناسب برای تعاملات اجتماعی می‌تواند به پویایی فرهنگی میدان افزوده و آن را به کانونی برای تجمعات اجتماعی تبدیل کند.

در بعد کالبدی، پیشنهاد می‌شود که توجه بیشتری به بهبود زیرساخت‌های ترافیکی، ایجاد فضای مناسب برای پیاده‌روی و دسترسی بهتر برای گروه‌های خاص مانند سالمندان و افراد با نیازهای ویژه صورت گیرد. همچنین، مدیریت مؤثر و نظارت مستمر بر بهره‌برداری از میدان، به‌ویژه در زمینه نگهداری فضاهای سبز و نظافت، می‌تواند به ارتقای کیفیت زندگی در این فضا و پایداری بلندمدت پروژه کمک کند.

**سیاسگزاری:** نویسندگان از تمام شهروندان و کسبه محترمی که در این تحقیق مشارکت داشتند قدردانی می‌کنند.

**تعارض منافع:** هیچگونه تعارض منافعی بین نویسندگان مقاله وجود نداشته است.

**منابع مالی:** برای انجام مطالعه حاضر منابع مالی گزارش نشده است.

**سه‌م نویسندگان:** نویسنده اول وظیفه ارزیابی و تحلیل داده‌های تحقیق را بر عهده داشته‌است و نویسنده دوم مسئول گردآوری مطالعه و مکاتبه با نشریه بوده است.

اگر بدون پیوند فرهنگی و عاطفی به مکان انجام شوند، می‌توانند موجب گسست در حافظه جمعی و هویت فرهنگی شوند.

در میدان الغدير، باوجود برخی تلاش‌ها برای حفظ هویت مذهبی از طریق تقویت نمادهای مذهبی و تاریخی، بسیاری از شهروندان به کاهش حضور آیین‌ها و فرهنگ‌های محلی در این فضا اشاره کرده‌اند. این مسأله نشان می‌دهد که طراحی فضا باید علاوه بر ارتقاء جنبه‌های زیبایی‌شناختی، به جنبه‌های فرهنگی و هویتی نیز توجه کند. فقدان فرصت‌های بروز فرهنگ بومی، آیین‌های محلی و جشن‌های مذهبی در طرح ساماندهی میدان الغدير، موجب کاهش حس تعلق اجتماعی در میان ساکنان و استفاده‌کنندگان شده است.

این مسأله بر اساس نظریه‌های هویت اجتماعی و فرهنگی مانند نظریه‌های رلف و توان و همچنین نظریه‌های مرتبط با فضای عمومی از جین جیکوبز (۱۹۶۱) [۲] که تأکید بر اهمیت فرهنگ و هویت محلی دارد، نیازمند بازنگری و طراحی دقیق‌تر در خصوص استفاده از فضا برای برگزاری آیین‌ها و رویدادهای فرهنگی است. برای تقویت هویت فرهنگی میدان، باید علاوه بر طراحی‌های کالبدی، به برگزاری رویدادهای محلی، نمایشگاه‌های فرهنگی و ترویج آیین‌های مذهبی توجه شود.

به طور کلی این پژوهش نشان می‌دهد که طرح ساماندهی میدان الغدير اگرچه در برخی ابعاد مانند وضعیت کالبدی، افزایش کیفیت منظر شهری و ارتقاء امنیت فضا موفق عمل کرده است، اما در ابعاد اجتماعی و فرهنگی با مشکلات جدی روبه‌رو بوده است. به‌ویژه، کاهش تعاملات اجتماعی، تضعیف روابط سنتی و ضعف در تقویت حس تعلق و هویت محلی از جمله چالش‌های برجسته‌ای هستند که باید در ادامه پروژه مورد توجه قرار گیرند.

در فازهای بعدی پروژه، توجه بیشتر به فرآیندهای مشارکتی و طراحی انسان‌محور امری ضروری است. با توجه به نظریات جین جیکوبز و بیان گهل در خصوص اهمیت فضاهای عمومی برای تقویت تعاملات اجتماعی و حضور فعال شهروندان، میدان الغدير باید به‌عنوان فضایی فراتر از یک مسیر عبوری، به مکانی برای ارتباطات اجتماعی تبدیل شود. در این راستا، علاوه بر ارتقاء جنبه‌های مذهبی میدان، ضروری است که هویت فرهنگی محله نیز حفظ و تقویت شود. توجه به فرهنگ بومی، برگزاری رویدادهای محلی و فراهم آوردن فضاهایی برای تعاملات اجتماعی می‌تواند به ایجاد ارتباط بیشتر میان ساکنان و تقویت حس تعلق اجتماعی کمک کند. به‌طوری‌که میدان به یک نقطه کانونی برای فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی محله بدل شود.

در نهایت، با توجه به ابعاد مختلف پروژه و تأثیرات آن در سطح محله و منطقه، می‌توان نتیجه گرفت که طرح ساماندهی میدان الغدير به‌عنوان یک پروژه کالبدی و اجتماعی نیازمند رویکردی

15. Vanclay F. Social impact assessment: New frontiers and contemporary debates. London: Routledge. 2024.
16. Esteves AM, Franks D, Vanclay F. Social impact assessment: the state of the art. *Impact assessment and project appraisal*. 2012;30(1):34-42.
17. Mela A, Tousi E, Varelidis G. Assessing Urban Public Space Quality: A Short Questionnaire Approach. *Urban Science*. 2025;9(3):56.
18. Qi J, Mazumdar S, Vasconcelos AC. Understanding the relationship between urban public space and social cohesion: A systematic review. *International Journal of Community Well-Being*. 2024;7(2):155-212.
19. Kamani Fard A, Paydar M. Place attachment and related aspects in the urban setting. *Urban Science*. 2024;8(3):135.
20. Abdurahiman S, Kasthurba A, Nuzhat A. Assessing the socio-cultural impact of urban revitalisation using Relative Positive Impact Index (RPII). *Built Heritage*. 2024;8(1):8.
21. Lin D, Broere W, Cui J. Metro systems and urban development: Impacts and implications. *Tunnelling and underground space technology*. 2022;125:104509.
22. Naghibi M, Farrokhi A, Faizi M. Small urban green spaces: insights into perception, preference, and psychological well-being in a densely populated areas of Tehran, Iran. *Environmental Health Insights*. 2024;18:11786302241248314.
23. Alavi SA, Esfandi S, Khavarian-Garmsir AR, Tayebi S, Shamsipour A, Sharifi A. Assessing the connectivity of urban green spaces for enhanced environmental justice and ecosystem service flow: a study of tehran using graph theory and least-cost analysis. *Urban Science*. 2024;8(1):14.
24. Parvin SaS, Somayyeh. The Study of Socio-Cultural Effects of Urban Projects (Case study: Saeed Abad Highway). *Quarterly Journals of Urban and Regional Development Planning*. 2018;3(5):81-113. (In Persian).
25. Rahman JDIAJD. Assessment of the social and cultural impacts of constructing a pedestrian walkway on Imamzadeh Hassan Boulevard in Karaj.
- References**
1. Kourosh G. Measuring Place in Urban Design: An Introduction to the Technique of Measuring Place. Soffe. (2005).15(1).
2. Jacob J. The death and life of great American. Cities New York: Vintage Books. 1961.
3. Edelstein MR, Vanclay F. Psychosocial impacts. *Handbook of Social Impact Assessment and Management: Edward Elgar Publishing; 2024. p. 274-91.*
4. Glasson J, Therivel R. Introduction to environmental impact assessment: Routledge; 2013.
5. Habermas J. Reflections and hypotheses on a further structural transformation of the political public sphere. *Theory, Culture & Society*. 2022;39(4):145-71.
6. Gehl J. Cities for people: Island press; 2013.
7. Ghanimati H. Assessment of the socio-cultural impacts of Niloufar Square, District 7 of Tehran Municipality. Tehran Municipality Beautification Organization. 2022.
8. Delgado M, Staples L. Youth-led community organizing: Theory and action: Oxford University Press; 2007.
9. UN-Habitat. World Cities Report 2022: Envisioning the Future of Cities. United Nations Human Settlements Programme <https://unhabitat.org/>. 2022.
10. UN-Habitat. World Cities Report 2020: Envisioning the Future of Cities. United Nations Human Settlements Programme <https://unhabitat.org/>. 2020.
11. Lynch K. The image of the city. Cambridge, MA: MIT Press. 1960.
12. Relph E. The paradox of place and the evolution of placelessness. *Place and placelessness revisited: Routledge; 2016. p. 20-34.*
13. Tuan Y-F. Space and place: The perspective of experience: U of Minnesota Press; 1977.
14. Vanclay F. International principles for social impact assessment. *Impact assessment and project appraisal*. 2003;21(1):5-12.

- Chicago press; 1958.
33. Habermas J. The structural transformation of the public sphere: An inquiry into a category of bourgeois society: MIT press; 1991.
  34. Sennett R. Building and dwelling: Ethics for the city: Farrar, Straus and Giroux; 2018.
  35. Krier L. Urban Components. Architectural Design. 1984;54.
  36. Schache W, Szymanski N. Paul Zucker: Der vergessene Architect. 2005.
  37. Adelvand PML, Ashraf Al-Sadat. Statue in the Square or Plato's Cave? Manzar. 2015 Oct 1;7(32):14-9. (In Persian).
  38. Salehi Maryam MH, Khodadad Mehdi, Esmaili Fazlollah. Leveling of Tehran Metropolitan Regions in Terms of Sustainable Development Indicators Using Factor and Cluster Analysis. Available from: <https://sidir/paper/265460/fa>. 2017;5(1):75-90.(In Persian).
  39. Ahmadi A, Jahangard E. Ranking of the neighborhoods of Tehran metropolis in terms of development and quality of life: A fuzzy TOPSIS approach. Urban Economics. 2020;5(1):127-48.
  40. Creswell JW. Research designs. Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches. 2009.
  41. Denzin NK. Triangulation 2.0. Journal of mixed methods research. 2012;6(2):80-8.
  - Quarterly Journal of Social Impact Assessment. 2020;4(1):11-45.(In Persian).
  26. Norouzi MaS, Hassan. Pathology of factors affecting the inefficiency of environmental qualities in urban squares after conversion to sidewalks, case study: Imam Hossein (AS) Square, Tehran. Arman Shahr Architecture and Urbanism. 2019;13(30) 275-89. (In Persian).
  27. Hosseinzadeh MaM, Seyed Mehdi. Qualitative assessment of urban spaces: Application of a holistic landscape approach in the evaluation of the Mashhad Martyrs' Square project. Manzar. 2019; 12(50):50-61.(In Persian).
  28. Safaei Raine M, Pourahmad, Ahmad and Zanganeh Shahraki, Saeed. Spatial Analysis of Vitality in Urban Spaces: A Case Study of Tehran's 17 Shahrivar Pedestrian Street. Sustainable City Journal. 2019;2(2): 107-24. (In Persian).
  29. Putnam RD. Bowling alone: The collapse and revival of American community. Simon Schuster. 2000.
  30. Soja EW. Seeking spatial justice: U of Minnesota Press; 2013.
  31. Talebpour A, Mohajeri, Asghar, Mirzaei, Saeideh. Adaptation of Tehran's urban furniture to disability from the perspective of the disabled. Urban Sociological Studies. 2024;53:51-80. (In Persian).
  32. Arendt H. The human condition: University of